

# پادشاهان آریایی

## قسمت چهارم

### شاهنشاهی ساسانیان

( 224 - 631 میلادی )

دوران ( 407 سال )

نویسنده : دکتر نت بصیر کامجو

آلمان - مارچ 2010

از اندیشه های هویت شناسی مبنی بر

تشکیل دولت مستقل خراسان

اگر از همه پیشگفتار های سیاسی و اخلاقی بگذریم و روک و راست موضوع اصلی را مورد بحث قرار دهیم میتوان گفت که : نهاد های بین المللی سرمایه در رأس آمریکا و انگلیس - میهن ما ( خراسان - افغانستان ) رامکانی برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی بلند مدت خویش در منطقه انتخاب کرده اند .

بنأ هر بلای که روزمره بر سر شهروندان این کشور آورده می شود همه تصادفی نبوده بلکه بر اصل یک برنامه از قبل سنجیده شده جز مؤلفه های راهبرد سیاسی نهاد های جوامع سرمایه داری می باشند .

اینکه یک عده افراد ساده دل با ورود نهاد های غرب صنعتی به کشور ما در انتظار ایجاد جامعه مدنی خواب ملکوتی می بینند به این معناست که آنها هنوز با شناخت سرشت ذاتی جامعه سرمایه داری معرفی نشده اند .

مرام سیاست بین المللی سرمایه جهانی به رهبری آمریکا و انگلیس اینست که چطور و بکدام نحوه میتوان از کشورهای غنی آسیایی بویژه خراسان - افغانستان بهره برداری بیشتر نمود .

اینکه همه روزه شعار مبارزه علیه تروریسم جهانی و مبارزه علیه مواد مخدر در مطبوعات ماهواره ی پخش می شود ، کاریست که بوسیله استخبارات بین المللی آمریکا و انگلیس و اسرائیل پیش برده می شود و جهت توجیه سیاست بین المللی سرمایه و بازی دادن و مغشوش ساختن و مصروف نگهداشتن اذهان عامه در منطقه و جهان وسیعاً تبلیغ و ترویج می گردد .

ولی واقعیت برعکس آن ، چیز دیگریست . بگونه مثال :

می بینیم که هدف اصلی آمریکا وشرکایش از شروع حمله به افغانستان که مبارزه علیه تروریسم بین المللی اعلام شده بود نتیجه اش چه شد؟ که آمریکا در مدت زیاده از نه سال با این همه امکانات قوی ومدرن ماهواره ی ایکه در اختیار دارد هنوز هم که گویا! تروریست های « اسامه بن لادن » و « ملا عمر » را جستجو می کنند .

– دردا که آمریکا وانگلیس (نیروهای ائتلاف ) و دولت دست نشانده حامد کرزی و استخبارات پاکستان و عربستان سعودی ودیگر حلقات سیاسی وابسته به آنها تاکنون از مجاری مختلف پنهانی وآشکار نقش سازنده خود را در تسلیح وتمویل قدرت نظامی وجنگی طالبان وتقویه تروریزم بین المللی ایفاء کرده اند . نه در نابودی آنها .

افزون برآن در گزارش UNODC ، در مورد سیاست تولید مواد مخدر ، منتشره بخش اخبارآریایی مورخ 27 ماه فبروری 2010 میلادی آمده است که :

" از حضور سربازان ایالات متحده [ و انگلیس ] در افغانستان، تولید تریاک از 185 تن به 7700 تن افزایش یافته است.

بنا بر آمار های اخیر UNODC ، در سال 2001 در افغانستان 185 تن مواد مخدر، در سال 2002 ، 3400 تن ، در سال 2003، 3600 تن ، در سال 2004 ، 4200 تن، در سال 2005 ، 4100 تن ، در سال 2007 ، 8200 تن ، و در سال 2008 ، 7700 تن مواد مخدر تولید شده است.

بر اساس گزارش اخیر دفتر سازمان ملل در مسائل مواد مخدر و جرایم ( UNODC، 92 در صد تریاک جهان در افغانستان تولید میشود . "

ارقام فوق یک نمونه آشکار از توجیه این هدف است که جوامع صنعتی در کشور ما ویا در هر کشوردیگر روبه انکشاف صرف درپی بهره برداری منافع اقتصادی وسیاسی خودشان می باشند . نه در راه ایجاد زیرساخت های جامعه مدنی .

با تعقیب این هدف : انگلیس ، آمریکا واسرائیل بر اثر شناخت دقیق شان از اصل و نسب پشتون ها ومعاملات تاریخی ایکه آنها در گذشته با استعمار کهنه انگلیس داشته اند به این باور رسیده اند که مناسب ترین نیروی که میتواند در تأمین منافع سیاسی و اقتصادی جوامع صنعتی نقش سازنده بازی نماید ومنطقه را پیوسته درخون وآتش نگه داشته باشد همین قوم افغان پشتون تفنگ داراست .

زیرا این قوم در تاریخ موجودیت خود یعنی از 450 سال قبل به اینسو که از آنطرف کوهای سلیمان به سرزمین خراسانیان مهاجرت نموده اند (1) – همیشه با تفنگ وجنگ، تعرض و تصاحب سرکار داشته اند. همین ویژگی هویتی سلحشورانه شان است که این قوم را ازدیگر شهروندان بومی وصلح خواه ومدنیت پرور سرزمین ما متمایز می سازد .

وبه همین اساس هم است که رهبری دولت ( پست ریاست جمهوری ، وزارت خارجه ، وزارت دفاع ، وزارت داخله ، وزارت مالیه ، وزارت اقتصاد ، وزارت زراعت ، وزارت معارف ... وغیره ) و اپوزیسیون ( طالبان - القاعده - حزب اسلامی ) هر دو را آمریکا و انگلیس به پشتون ها تحویل داده اند و نسبت به دیگر ملیت های ساکن کشور ما از این قوم حمایت نظامی و سیاسی ومالی می کنند. زیرا منافع سرمایه جهانی و منافع حاکمیت قبیله پشتون افغان هر دو سرنوشت تاریخی ایشان به شعله آتش وجنگ ومواد مخدر گره خورده است .

شهروندان عزیزمانیکه پادشاهان آریایی اعم از : امپراتوری : ماد ها ، هخامنشی ها ، اشکانی ها و ساسانی ها و سامانی ها - در این سرزمین پر معرفت فرمانروایی می کردند آن زمان در اروپا و آسیا آفریقا - فقط دوا بر قدرت وجود داشت یکی امپراتوری روم و دیگری امپراتوری آریائیان . باصراحت میتوان گفت که افتخارات و دست آورد های تاریخی و فرهنگی و علمی بزرگی که در فرآیند امپراتوری آریائیان یا ایران باستان به پایه کمال رسیده مرهون سعی و تلاش همه ملیت های باهم برادر در این مرزبوم بوده و بدون شک متعلق به همه شهروندان این سرزمین پهناور می باشد .

اما باگذشت زمان و تحمیل جبری خط کشی های پی در پی در نقشه جهانی - استعمار کهنه و نوی انگلیس و شرکای راست و چپش توانستند از آریائیان بزرگ و خراسان بزرگ ده ها کشور خرد و کوچک دیگری بسازند . و از این طریق بتوانند به آسانی منطقه را تحت کنترل ماشین بهره کشی خود داشته باشند .

اندیشه ما اینست که مردمان : هندوستان ، ایران ، افغانستان ، تاجیکستان ، پاکستان ، ازبکستان ، ترکمنستان ، آذربایجان ، گرجستان ، ارمنستان ، قزاقستان و قرغیزستان ، ترکیه ، داغستان و اوستیا ... با فرهنگ و تاریخ مشترک ، هزاران سال در کنار هم زیسته و میتوانند بار دیگر همبستگی اقتصادی ، فرهنگی و علمی را در سطح کلان مطرح نمایند .

وزمینه های رشد اقتصاد و فرهنگ و زبان فارسی حوزه تمدنی آریانا - خراسان را بار دیگر احیاء کنند . و جلوی پیشرفت تحمیل جبری سیاست خشونت و جنگ مجامع صنعتی و وابستگان ایشان را بگیرند و زمینه های رشد واقعی اقتصاد و فرهنگ مشترک منطقوی را مساعد سازند .

شهروندان عزیز خود شناسی و آموزش دقیق از تاریخ و فرهنگ باستانی پربار این سرزمین ارزشهای است که غرور و شهامت و اعتبار و عزت انسان را بلند می برد و در معاملات و تعاملات زندگی موقعیت شایسته انسان را برجسته بنمایش می گذارد . ازینرو هست که ما پیوسته در این راه تلاش انسانی مینمائیم تا مردم ما و جوانان ما جای و مقام و عزت خود را در تاریخ کشور پدری شان بدانند و بفهمند و بشناسند . و بر این اصل همبستگی حوزه تمدنی آسیارا بار دیگر در تاریخ بشریت بنمایش گذارند .

و بدانند زمانیکه پدران ما در قرن ششم پیش از میلاد از سومالی ، و مصر شروع تا هندوستان و سرحد چین فرمانروایی داشتند، چنانکه در فوق آمد انگلستان امروزی اصلاً در روی نقشه جهانی وجود نداشت . اما چه شد که حالا ، صدراعظم این کشور با یک تلفن برای سرزمین آریایی ها و خراسانی ها رئیس جمهوری بنام حامد کرزی افغان را تعیین می کند .

حضور چنین شرایط ناخرسند علتش دوری رهبران شوونیزم قبیله اوغان از فرهنگ باستانی این سرزمین معارف پرور است . تازمانیکه روشنفکران و رهبران شوونیزم قبیله پشتون در فرمانبرداری مطلق از سیاست مجامع سرماپداری در پی نابودی زبان فارسی و فرهنگ باستانی این سرزمین باشند . کشور ما مانند ایران و تاجکستان و ازبکستان و ترکمنستان و آذربایجان و ترکیه و سایر کشور های هم فرهنگ ما استقلال و آزادی نخواهد داشت . و به رشد مستقل ملی نخواهد گرائید . و مشروعیت قانونی و حقوقی نخواهد یافت . و همیشه در گروه شوونیزم قبیله مرکز گرا وابسته به انگلیس و آمریکا در شعله جنگ خواهد سوخت .

راه بیرون رفت از این اوضاع خون چکان تحمیل شده و تکراری عبارت اند از :

– تأمین همبستگی اراده و عمل مشترک سیاسی و فرهنگی تمام نیروهای ترقی پسند و صلح جوی در مبارزه علیه حاکمیت عظمت طلب و تمامیت خواه حاکمان قبیله – تاسرحد کنار زدن این نیروهای ضد ملی از سرنوشت این کشور می باشد .

به سلسله بیان اندیشه های هویت شناسی مبنی بر تشکیل دولت مستقل و منتخب خراسان ؛ اینک باایجاز کامل در این بخش به شرح شاهنشاهی ساسانیان اجداد تاجیکان ، پارسها و کرد ها ، می پردازیم .

## آغاز سخن

شاهنشاهی ساسانیان سلسله ایست از پادشاهان آریایی که از سال 224 تا 651 میلادی ، زیاده از چهارصد سال بر آریانیایی بزرگ فرمانروایی کردند . نام ساسانیان از ساسان گرفته شده ، که اردشیر بابکان ( 224 - 241 میلادی ) مؤسس این سلسله از نوادگان اوست و داریوش سوم هخامنشی را از نیاکان او دانسته اند . (2)

" ساسانیان پس از آنکه تاج و تخت را از اشکانیان بدست آوردند ، یک حکومت ملی تأسیس کردند که متکی به دین ( زرتشتی ) و تمدنی بود که شاید از جنبه آریایی بودنش در سراسر تاریخ طویل آریانیان نظیر نداشته باشد . تشکیل قدرت مرکزی و قوی که زمام امور را در دست گرفت ، ترتیب قشون منظم و تربیت شده ، و ایجاد سازمان دقیق که بعهده اداره ای – که تحت نظارت دقیق قرار داشت – سپرده شده بود .

همه موجب گردید که آریانا – تجدید قوی یافته بود راه ترقی سپارد و چنان قوه ای بهم رساند که بنظر میرسد دنیای متمدن بین آن کشور و روم تقسیم شده بود . " (3)



### گستره شاهنشاهی ساسانی های ایران باستان

شاهنشاهی ساسانیان نخستین بار بعد از هخامنشیان گستره فرمانروایی خود را برپهنه بزرگی از آسیا چیرگی بخشیدن و مرزها را تا سالهای اخیر حکمروایی شان به گستره امپراتوری هخامنشی ها نزدیکتر کردند و کشورهای مختلف را براساس نقشه جغرافیای سیاسی امروزی بترتیب ذیل :

بخشی از ایالات جنوب غرب هندوستان امروزی ، پاکستان ، افغانستان ، تاجکستان ، قرغزستان ، بخشی جنوبی از شرق به غرب قزاقستان ، ازبکستان ، ترکمنستان ، ایران ، آذربایجان ، ارمنستان ، گرجستان ، ترکیه ، عراق ، سوریه ، کویت ، قطر ، امارات عربی ، عمان ، یمن ، اردن ، اسرائیل ، لبنان ، مصر - را در تحت رهبری تنها یک دولت پر قدرت شاهنشاهی ساسانی در آوردند و تا حمله تازیان ( عرب ها ) بر آریانی بزرگ حکومت کردند.

خاندان ساسانی پس از امپراتوری ماد ها و امپراتوری هخامنشی ها و اشکانی ها معروفترین و نیرومندترین سلسله شاهنشاهی آریایی ها در جهان است .

شاهان ساسانی خدمات بزرگی در تکوین و غنای فرهنگ آریایی نمودند . و بادرک عمیق از تاریخ باستانی این سرزمین ، جلال و هویت و عظمت فرهنگی و سیاسی هخامنشی ها را بار دیگر احیا کردند و زیاده از چهار قرن آنرا گسترش دادند. و برپایه این اندیشه خود شناسی و خود گردانی ملی ، صفحه جدید و درخشانی را بر تاریخ آریانیان بازگشایی نمودند.

دوره ساسانی ایجاد گریزگترین تمدن درخشان هنری و علمی و ادبی در تاریخ باستان آریایی ها بشمار میرود . موفقیت های عظیمی در جنگ با رومیان و وجود شاهنشاهان خیراء و دور اندیش مانند : اردشیربابکان ، شاپور اول و دوم ، بهرام گور ، خسروانوشیروان ، خسرو پرویز ، شهربراز - همه دست بدست هم داده مایه افتخار و سربلندی شهروندان این سرزمین مرد خیز و ترقی پسند می باشند .

به استناد تاریخ ، شاهنشاهان ساسانی شهرها و ابنیه بسیار بنا کردند . که مشهور ترین بنا آن عهد « طاق کسری یا کاخ کسری » (4) است .

"جامعه عهد ساسانی بر دواصل خون و خاک ( خانواده و مالکیت ) استوار بود . . . در حقیقت جامعه آریایی حکم هرمی داشت که در رأس آن شاهنشاه قرار داشت . جامعه به چهار طبقه تقسیم می شد .

1 - آتوربانان ( روحانیان )

2 - ارتشتاران ( سپاهیان )

3 - دبیران ( کارکنان ادارات )

4 - واسترپوشان ( روستانیان ) و هوتخشان ( صنعتگران ) .

هریک از این طبقات رئیسی داشت .

همچنان ادارت ساسانی تشکیل هرم دیگری را میداد که در رأس آن صدراعظم یا نخست وزیر قرار گرفته و از بزرگان متحد خاندان ساسانی بود و عملاً زمام قدرت را در کف خویش داشت . بخش اعظم درآمد ، از مالیاتی که بر اراضی مقرر شده بود تأمین می گردید .

پادشاه بزرگترین قاضی بود ، و از رعایا کسانی که موفق به اخذ حقوق خود نمی شدند ، حق داشتند بدو مراجعه کنند . " (5)

شاهنشاهان سلسله ساسانی از این قرار است .

1 - اردشیریکم فرزند بابک ( 224 - 241 میلادی )

2 - شاپوریکم فرزند اردشیر ( 242 - 272 میلادی )

3 - هرمزیکم فرزند شاپور ( 272 - 273 میلادی )

4 - بهرام یکم فرزند شاپور ( 273 - 276 میلادی )

5 - بهرام دوم فرزند بهرام یکم ( 276 - 293 میلادی )

6 - بهرام سوم فرزند هرمزیکم ( 293 میلادی )

7 - نرسی فرزند شاپور یکم ( 293 - 302 میلادی )

8 - هرمز دوم فرزند نرسی ( 302 - 310 میلادی )

- 9 - آذر نرسی فرزند هرمزدوم ( 310 میلادی )
- 10 - شاپور دوم نوالاکتاف فرزند هرمزدوم ( 310 - 379 میلادی )
- 11 - اردشیر دوم فرزند هرمزدوم ( 379 - 383 میلادی )
- 12 - شاپور سوم فرزند شاپور دوم ( 383 - 388 میلادی )
- 13 - بهرام چهارم فرزند شاپور دوم ( 388 - 399 میلادی )
- 14 - یزدگرد یکم فرزند شاپور سوم ( 399 - 421 میلادی )
  
- 15 - بهرام پنجم ( بهرام گور ) فرزند یزدگرد یکم ( 421 - 439 میلادی )
- 16 - یزدگرد دوم فرزند بهرام پنجم ( 439 - 457 میلادی )
- 17 - هرمز سوم فرزند یزدگرد دوم ( 457 - 459 میلادی )
- 18 - پیروز یکم فرزند یزدگرد دوم ( 459 - 484 میلادی )
- 19 - بلاش فرزند یزدگرد دوم ( 484 - 488 میلادی )
- 20 - قباد یکم فرزند پیروز یکم ( 488 - 497 میلادی )
- 21 - جاماسب فرزند پیروز یکم ( 497 - 499 میلادی )
- 22 - قباد یکم پادشاهی دوباره ( 499 - 531 میلادی )
- 23 - خسرویکم ( انوشیروان ) فرزند قباد یکم ( 531 - 579 میلادی )
- 24 - هرمز چهارم فرزند انوشیروان ( 579 - 590 میلادی )
- 25 - خسرو دوم پرویز فرزند هرمزچهارم ( 591 - 628 میلادی )
- 26 - قباد دوم شیرویه فرزند خسرو دوم ( 628 میلادی )
- 27 - اردشیر سوم فرزند شیرویه ( 628 - 630 میلادی )
- 28 - خسروسوم فرزند قباد یکم ( 630 میلادی )
- 29 - جوانشیر فرزند خسرو دوم ( 630 میلادی )
- 30 - پوراندخت دختر خسرو دوم ( 630 - 631 میلادی )
- 31 - گشنسب بنده فرزند قباد یکم ( 631 میلادی )
- 32 - آرمیدخت دختر خسرو دوم ( 631 میلادی )
- 33 - هرمز پنجم نواده خسرو دوم ( 631 میلادی )

34 - خسرو چهارم نواده خسرو دوم ( 631 میلادی )

35 - پیروز دوم نواده انوشیروان ( 631 میلادی )

36 - خسرو پنجم نواده انوشیروان ( 631 میلادی )

37 - یزدگرد سوم فرزند شهریار ( 632 - 651 میلادی ) (6) مغلوب عرب گردید و خاندان ساسانی و بساط شاهنشاهی آریانی بزرگ برچیده شد .

## اول - پادشاهی اردشیر بابکان

### مؤسس امپراتوری ساسانیان

اردشیر فرزند بابک فرزند ساسان مؤسس شاهنشاهی ساسانیان ( 224 - 241 میلادی ) می باشد. ساسان بزرگ جد اعلای این خاندان ، در شهر استخر ریاست معبد آناهیتا را بر عهده داشت . پدر اردشیر بابک پادشاه ایالت فارس بود . در زمان حکومت او خاندان ساسانی از اعتبار و نفوذ ویژه برخوردار بود .

اردشیر در زمان حکمروایی پدرش بابک در ایالت فارس ، خود فرماندهی اسواران (سر هنگ محافظین قافله و محافظین راه ) را بر عهده داشت و بدین ترتیب در ضدیت و مبارزه قدرت علیه امپراتوری اشکانیان در بدست آوردن تاج و تخت از ممکنه های سیاسی و حمایت بزرگان و موبدان ناراضی استفاده بیشتر نمود .

اردشیر بابکان پس از تسخیر فارس و کرمان و جزایر خلیج پارس بر اردوان پنجم آخرین شاهنشاه اشکانی در ( 224 م . ) غالب آمد . دوسال پس از این تاریخ ، تیسفون پایتخت امپراتوری اشکانیان بدست اردشیر افتاد .

اردشیر در سال 226 میلادی با لقب شاهنشاه آریانی بزرگ در تیسفون تاجگذاری کرد و با این کار حکومت چهارصد هفتاد و شش ساله امپراتوری پارتیان آریایی به پایان رسید و دوره چهارصدساله امپراتوری ساسانیان قوم دیگری از نژاد آریایی آغاز گردید .

ملکه اردشیر که آذرناهید نام داشت نیز در همین روز به عنوان شهبانوی شهبانویان تاجگذاری نمود. مسعودی علی فرزند حسین در کتاب « مروج الذهب و معاون الجوهر » خود گفتار - اردشیر بابکان پس از نشستن بر تخت شاهنشاهی امپراتوری ساسانیان را چنین حکایت میکند :

" سپاس و ستایش باد خدائی را که نعمت هایش را به ما اختصاص داد و ما را مشمول عنایت خود ساخت . خدایی که کشور ما را دوباره آرام ساخت و مردم را از شورش به اطاعت در آورد . او را چنانکه شایسته است می ستایم و از نعمت هایش که به ما ارزانی کرده است قدردانی میکنم . ای مردم بدانید که من همه تلاش خودم را در راه برقراری عدالت - ایجاد رفاه برای رعیت - آباد



سازی و رونق کشور - نیکی به بندگان - حفظ یگانگی ملی و بازسازی خرابیها به کار خواهم گرفت . اینک من به همه شما اطمینان میدهم که با قوی و ضعیف و شریف و افراد پلید با عدالت رفتار کنم و اجرای قانون را سر لوحه خود قرار دهم و چنان به نیکی رفتار خواهم کرد که ستایش همگان شما را بر خواهم انگیخت و کارهای آینده من گواه بر گفتارم خواهد بود . "

وی از آغاز سلطنت خویش تصمیم گرفت که سرزمین های از دست رفته نیاکان خود را که در کشمکش های دهه های اخیر امپراتوری اشکانیان از بدنه آریانیایی بزرگ جدا شده بود آنها را دوباره در تحت فرمان یک شاهنشاهی مقتدر در آورد .

از اینرو در دو جنگ با رومیان فایق آمد از دجله گذشت و ایالت رومی بین النهرین و نصیبین (7) و حران (8) و ارمنستان را فتح کرد و همه را جزو شاهنشاهی ساسانیان ساخت . (9)

مرام و هدف غایی اردشیر بابکان در عمل تشکیل ملتی بود که نقطه اتکاء آن بمذهب و مقامات مذهبی باشد . او بدینوسیله توانست که ملی‌گرایی آریایی را بر محور آموزشهای زرتشت احیاء نماید .

رویه اودر انتظام امور بیشتر مشابه به رویه داریوش بزرگ بود . و کار کرد های سیاسی او شباهت تام به شاهان هخامنشی داشته تا نسبت به اشکانیان . او لشکر حاضر خدمتی ترتیب داده و آنرا تحت فرمان سران و افسرانی قرار داد که هر یک مستقل از والیان و استانداران کشور بوده است .

این کلمات از اوست که میگوید :

" ملک حاصل نشود مگر به لشکر ، لشکر فراهم نگردد مگر به زر ، زر به دست نیاید مگر به زراعت و آبادی ، زراعت و آبادی بدون عدل و داد صورت نخواهد گرفت . " (10)

اردشیر از پادشاهان عاقل و مدبری بود که همیشه در فکر رفاه و آسایش رعایای خود بوده و به این نکته کامل توجه داشت که اساس انتظام امور عدل و انصاف است . و همیشه کوشش داشت که قواعد و اصول خود را به موقع اجرا بگذارد .

راجع به وصایای این پادشاه به پسرش شاپور در هنگام موت بیانی که فردوسی می کند میتوان آنرا به موثقیق و پیمان های سیاسی تعبیر نمود . از جمله به شاپور خطاب کرده چنین میگوید :

" بدان که مُلک و دین باهم توأم میباشند و هر یک را باید نگهبان دیگری دانست . انتظام امور کشور باید طوری باشد که کسانی را که خدای متعال زیر سرپرستی من و تو قرار داده است از ما راضی شده و دعای خیر آنان را بطرف خود جلب نمائیم . " (11)

اصلاحات اردشیر در داخل نظام سیاسی قدرت ملوک الطوائف را از میان برداشت . و دولت متمرکز بر اساس وحدت سیاسی و ملی بوجود آورد .

بدین ترتیب اردشیر یکم که از سال 224 تا 241 م ، پادشاهی کرد با تاسیس دولت ساسانی اقدامات مهم انجام داد :

اول : ایجاد مرکزیت سیاسی ( تبدیل پادشاهان محلی به قدرت مرکزی نیرومند )

دوم : وحدت دینی ( رسمی کردن دین زرتشت )

سوم : نهادینه سازی فرهنگ باستانی ( جمع‌آوری اوستا که از روزگار بلاش یکم اشکانی آغاز شده بود )

چهارم : ایجاد آرامش و امنیت ( زنده کردن سپاه جاویدان داریوش بزرگ )  
پنجم : تخفیف کیفر ها و احیای عدالت و قانونیت .

## دوم - پادشاهی شاپوریکم

### دومین شاهنشاه امپراتوری ساسانی

شاپور یکم ( 242 - 272 میلادی ) دومین شاهنشاه ساسانی آریانای بزرگ - فرزند ارد شیر بابکان است .

او به عنوان نایب‌السلطنه به سفارش پدر و پس از مرگ وی به تخت شاهنشاهی نشست و یکی از شاهان بزرگ آریایی محسوب می‌شود .

مملکتی را که شاپور از پدر به ارث برد در آن تشکیلات نظام سیاسی اشکانیان محفوظ مانده و مجدداً بر اصل مرکزیت قدرت سیاسی تنظیم شده بود .

این پادشاه از ابتدای کار توجه عمیق خویش را به مسایل خارجی معطوف داشت . و از این دیدگاه نزد وی موضوع امنیت و ثبات نظام کشور از الویت خاصی برخوردار بود . او در کتیبه ای طولانی ای که در دیوار های نقش رستم حک شده نخستین پیشرفت های خود را در مورد جدال و موفقیت امپراتوری ساسانیان آریایی علیه شاهنشاهی کوشانی ها نقل می کند . . که بر اثر منضم شدن دو شاهنشاهی ، تحت رهبری یک شاهنشاهی نیرومند ساسانیان تبیین حاصل می نماید .

در عرصه نظامی شاپور چنانیکه خود در کتیبه نقش رستم تصریح می کند که پس از حل مسئله ایالات مشرق و تأمین همبستگی آریانای بزرگ بسوی مغرب باز گشت . در سال 242 میلادی گردیانوس ( Gordianus ) امپراتور روم را که به سرزمین آریانای بزرگ تاخته بود شکست داد . و جانشین او ( فیلفوس عرب philippe 1 ' Arabe ) - در انعقاد صلح عجله نمود و پرداخت خراجی هنگفت را تعهد کرد ، و بین النهرین و ارمنستان را با آریانا وا گذاشت . ( 244 میلادی ) .

پس از 15 سال مجدداً محاربه با امپراتوری روم آغاز شد . که با موفقیتی بزرگی توأم بود . شاپور شاهنشاه ساسانی در این نبرد ، امپراتور روم « والرینوس » را با 70 000 لژیونر رومی اسیر گرفت و آنان را به آریانا رهسپار کرد .

شاپور برای تذکار فتح خود دستور داد تصویر امپراتور روم را که در برابر اسب وی زانورده ، بر پنج نقش برجسته که روی سخره ها و پرتگاههای فارس حجاری شده منقوش سازند . ( 12 )



منقوش شاپور یکم نشسته بر اسب و امپراتور روم

در برابر وی زانورده (13)

شاپوراندیشه و اهداف پدر را در امور داخلی شاهنشاهی به پایه کمال رسانید . او در عرصه رشد شعور اجتماعی و تکامل فرهنگ باستانی این سرزمین معارف پرور عاقلانه کوشید و فرمان داد : آثار و مصنفات متعدد یونانی و هندی که در مباحث مختلف مانند علم نجوم و فلسفه تألیف شده بود ، ترجمه کنند . (14)

شاپور با حفظ نهاد های ساختاری اداره امپراتوری اشکانیان و به پیروی از آرمان مقدس سیاسی و فرهنگی و ادبی هخامنشیان بار دیگر توانست چهارمین شاهنشاهی بزرگ آریائیان را در جهان به نمایش گذارد .

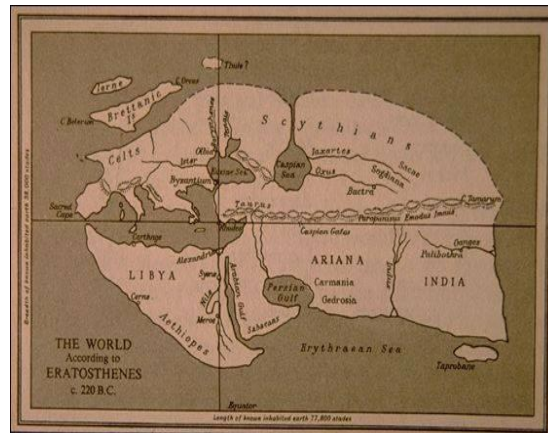
## سوم - پادشاهی شاپور دوم

### دهمین

## شاهنشاه امپراتوری ساسانی

شاپور دوم ، دهمین شاهنشاه ساسانی ( 309 - 379 میلادی ) پسر هرمزد دوم ملقب به (بزرگ = هویه سنبا = ذوالاکتاف) بود . شاپور دوم که هنوز در شکم مادر و جنین بود نجبا و

بزرگان مملکت وی را صاحب تاج و تخت برگزیدند و حتا پیش از اینکه متولد بشود مراسم تاجگذاری پس از اعلام مؤبد (روحانی دین زرتشتی) موبدان که جنین مزبور پسر است باشکوه تمام بعمل آمد



این پادشاه آریایی بطور فوق العاده مدت هفتاد سال تمام سلطنت کرده و معاصر با ده امپراتور روم بوده است. و بدینگونه یکی از طولانی ترین و باشکوه ترین شاهنشاهی آریانای بزرگ در این روند پدید آمد (15).

## شاپور دوم ساسانی

شاپور دوم نظر به موقعیت سیاسی و اجتماعی ایکه در اختیار داشت از کودکی برای رهبری تربیت گردید و اراده و استقلالیت تفکر و عمل خود را نیرومند ساخت. و در شانزده سالگی زمام حکومت و اداره میدان نبرد را بدست گرفت.

او زمانی که از آشوب های شرق فارغبال شد و مسئله انضمام ایالات شرقی به آریانای بزرگ مجدداً صورت پذیرفت - بعد در سمت مغرب کشور بمنظور شستن لکه ننگ دو صلحی که با رومیان بوسیله « بهرام دوم » و « نرسی » پادشاهان پنجم و هفتم ساسانی منعقد شده، در نتیجه قسمت اعظم ایالات غربی از دست آریانا خارج گردیده بود، جنگ را آغاز کرد، ولی این جنگ طولانی شد و سرانجام به نفع آریانیان تمام گردید.

ایالات شرقی که بوسیله کوشانیان (16) اداره میشد با تعهد - همدستی و همبستگی در محاربه شاهنشاه ساسانی علیه رومیان در دفاع از سرزمینهایی مشترک آریانیان رضاکارانه و متفقانه عمل نمودند. و شاپور دوم با متحدان خود در سال 359 به سفر جنگی تازه پرداخت که نتیجه بسیار درخشان آن تصرف « آمیدا » (17) بود.

پس از حمله متقابل رومیان که تیسفون را تهدید میکرد، سپاهیان امپراتور « یولیانوس » که خود در جنگ کشته شد - عقب رانده شدند و صلح منعقد شد و بر اثر آن ایالات مورد نزاع

به شاهنشاهی ساسانیان تسلیم گردید. (18)

اینک شرح نسبی وقایع ایالات مورد نزاع وجدال میان دو ابرقدرت وقت را در نامه شاهنشاه آریانی بزرگ شاپور دوم به امپراتور روم کنستانتینوس مورد بازخوانی قرار میدهم :

### متن اولتیماتوم تند شاپور دوم شاهنشاه ساسانی به امپراتوری روم و جنگ آریانا و روم / سال 359 میلادی

سوم دسامبر سال 359 میلادی امپراتور روم ، کنستانتینوس دوم ، اولتیماتوم شدید اللحنی به این شرح از شاپور دوم ( ذوالاکتاف ) شاهنشاه وقت آریانی بزرگ دریافت کرد :

" پس از تحیت ... ، آگاه باش که طبق اسناد و مکتوب های موجود و نوشته های مورخان ، اراضی و سرزمین های آن سوی رود خانه استریمون ( Strymon ) تا مرز مقدونیه متعلق به آریانا بوده است . آن امپراتور باید آنجا را - از نیروهای مسلح خود تخلیه کند تا ماموران ما بتوانند در آن مناطق به جمع کردن مالیات و تمشیت امور بپردازند .

اگر فرستاده من ، حامل این یادداشت ، دست خالی باز گردد ؛ پس از پایان زمستان دستور خواهم داد که ارتش - این سرزمین ها را با توسل به زور پس بگیرد ... (نامه با الفاظ مودبانه پایان می یابد) "

شاپور دوم این یادداشت را از « آمیدا » فرستاده بود که چند هفته پیش از انشاء نامه به تصرف آریانا در آمده بود . شاپور در همین سال با شکست دادن نیروهای رومی سوریه را متصرف شده بود و آماده پیشروی در متصرفات شرقی روم بود.

امپراتور روم که در گیر دشواری های داخلی و نافرمانی بعضی از ژنرالهایش بود پاسخ نامه شاپور دوم را موکول به مشورت با سنای روم کرد.

شاپور دوم منتظر نماند و در بهار سال 360 میلادی دست به حمله زد و پس از تصرف « بزابد » به پیشروی خود ادامه داد. کنستانتینوس دست به گرد آوری نیرو زد که بیمار شد و تب شدید وی را از پای در آورد .

جانشین او « ژولیان » که در عین حال فلسفه دان و نویسنده بود برای جنگ با آریانا نه تنها نیروهای رومی را بسیج کرد بلکه به اجیر کردن جنگجوی مزدور از قوم فرانک (ساکن شمال فرانسه ، در آن زمان سرزمین گل ) و قوم آلمانی ( مردمی که در مرز فرانسه و آلمان زندگی می کردند ) و قوم ایلری ( ساکن غرب یوگوسلاوی - کرواتهای امروز ) دست زد و دوسال طول کشید تا برای لشکرکشی به شرق آماده شود .

اعلامیه سال 362 میلادی ژولیان امپراتور روم بر ضد مسیحیان هم یکی از دلایل تاخیر حمله او به آریانا شده بود. ژولیان در مسیر لشکر کشی خود به سوی آریانی بزرگ يك گوساله سفید هم قربانی معبد « زئوس » (19) کرد تا او را درجنگ یاری دهد.

سرانجام این حمله در سال 363 میلادی با نیرویی که از حیث شمار و آزمودگی بی نظیر بود آغاز شد .

شاپور دوم که از کم و کیف این نیرو آگاه بود تصمیم گرفت به جای سرحد ، در عمق خاک آریانا با آن رو به رو شود . نیرو های انبوه ژولیان امپراتور روم پس از این که به محل مورد نظر شاپور دوم که فاصله ای زیاد از تیسفون نداشت رسیدند خود را در محاصره واحدهای ارتش آریانای بزرگ یافتند و در جنگی که روی داد شکست خوردند و یک سوار پارسی آریایی ، « ژولیان » در حال فرار را با پرتاب زوبین شدیداً مجروح کرد که همان شب درگذشت .

طبق قانون روم ، هماندم ژنرالهای رومی « ژویان » را از میان خود به عنوان امپراتور موقت روم انتخاب کردند و وی برای نجات بقیه نیروهای رومی با شاپور دوم وارد مذاکره شد و با دادن همه مناطقی را شاپور خواهان آنها بود موافقت او را به ترك مخاصمه به دست آورد و واحدهای شکست خورده رومی را از آسیا بیرون برد.

پاره ای از مورخان رومی نوشته اند که شاپور دوم در این جنگ از فیل جنگی استفاده کرده بود . جنگجویان مزدور فرانک و آلمانی در بازگشت به اروپا از میهندوستی و ایستادگی و انضباط سربازان آریایی داستانها تعریف کردند که هنوز باقی مانده است .

طبق اسناد موجود ، ژویان امپراتور روم : از همه دعاوی رومیان در غرب قفقاز ، فلسطین ، سوریه و پنج منطقه در آناتولی صرف نظر کرد و 18 پایگاه مرزی را برچید و پذیرفت که پیروان آیین زرتشت در قلمرو روم آزادی مذهبی داشته باشند و از بازرگانان آریایی مالیات مضاعف گرفته نشود.

ژویان پس از بازگشت به روم در جلسه ماه اکتبر سنا حضور یافت تا از عمل خود و امتیازهای متعدد که به آریانایی بزرگ داده بود دفاع کند که سناتور ها او را « هو » کردند و ژویان نتوانست این تحقیر را تحمل کند و از درخواست رای برای امپراتور شدنش صرف نظر و با گاز زغال خودکشی کرد.

شاپور دوم که از پیش از تولد ، شاهنشاه آریانایی بزرگ شده بود و دوران سلطنتش بیش از عمرش بود قلمرو آریانا را از مرزهای چین تا مدیترانه گسترش داد و اعراب را نیز مطیع خود ساخت . در باره خشونت وی نسبت به اعراب شایعات زیاد رواج یافته از جمله سوراخ کردن شانه های آنان و گذرانیدن ریسمان از استخوان شانه هایشان . (20)



## چهارم - پادشاهی بهرام گور

### پانزدهمین

## شاهنشاه امپراتوری ساسانی



( بهرام گور « esalat.org » )

بهرام پنجم مشهور به بهرام گور پسر و جانشین یزدگرد یکم ، پانزدهمین شاهنشاه سلسله ساسانی ( 421 - 438 میلادی ) بود . وی از کودکی نزد نعمان السائح پسر امری القیس پسر عمروالخمی (از پادشاهان عرب ایالت حیره در عراق ، وابسته به امپراتوری ساسانیان ) تربیت شد . ( 21 ) وبعد از آن برای نخستین بار بصفت فرماندار ایالت حیره در عراق خدمت نمود . زیرا در شاهنشاهی آریانیای باستان رسم بر این بود که ولیعهد باید مدتی فرماندار یا شهر یا کشور کوچکی باشد تا با فنون و رسوم اداری و نظامی کشور آشنا شود و در نهایت به عنوان شاهنشاه ملتهای مختلف و در مقام امپراتوری بزرگ بر تخت سلطنت بنشیند .

پس از مرگ یزدگرد ، بزرگان - شاپور پسر بزرگ وی را که شاه ارمنستان و جانشین پدر بود از بین بردند و خسرو نامی را که پدرش شاه نبود و خویشی نزدیکی با شاه نداشت بر تخت نشانند . بهرام از ایالت « حیره » با سپاهی قوی به پایتخت بازگشت و خسرو را شکست داد و بر تخت نشست .

نظامی گنجوی : داستان لشکر کشی بهرام را بی جنگ و بدون خونریزی می‌داند، او چنین می‌گوید که بهرام شرط گذاشت که تاج شاهی در میان دو شیر نهند و هر که توانست تاج از میان دوشیر برگیرد، همانا پادشاهی او را سزد. شاه خود خوانده از این کار سرباز زد و بهرام را به تنهایی به این کار واداشتند، او نیز پس از نبرد با دوشیر تاج شاهی را از آن خویش ساخت. (22)

سخنرانی شاهنشاه بهرام گور به مناسبت نشستن بر تخت امپراتوری ساسانیان :

" اینک که بر تخت و آئین طهمورث و پدری نیاکانمان نشستم خدای بزرگ را ستایش میکنم و از او سپاسگذارم . من اکنون شما کارگزاران را به نیکی و خرد و دانش که یادگار زرتشت است راهنمایی میکنم .

من خواستار این دنیای زود گذر ( سپنج ) نیستم و برای گذاشتن نام نیک از خود برای آیندگان کوشش خواهم کرد. من اکنون اعلام میکنم که به مردم تهنی دست و ناتوان زور نخواهم گفت و به یاری آنان خواهم شتافت. من سپاه آریانی بزرگ را نیرومند خواهم کرد و پایبند خواهم بود تا دشمنان این سرزمین را همواره از پای در خواهم آورد. من تلاش خواهم کرد که جز راستی با مردم رفتار نکنم و اگر از سوی کسی اشتباه و خطایی سر بزند من آنرا عفو کنم . اکنون شما را به دین اجدادی و اصیل و کهن آریایی دعوت میکنم و هرگز از راه نیاکان خود عدول نخواهم کرد.

از یزدان پرستی دور نشوید که تنها اوست که یاری دهنده ماست . خرد و دانش را برای مردم هدیه کنید و دانش پژوهان را قدرت دهید تا مردم آگاه شوند . خردمندان و عاقلان را از بارگاه من دور نکنید که آگاه بودن مردم مایه خوشبختی من است . از بودجه کشور برای نیازمندان بردارید و آنان را بی نیاز کنید مخصوصا خردمندان را بال و پر دهید تا دیگران را فرهنگ دهند . سعی کنید رنجهای مردم را کم کنید زیرا این وظیفه ماموران پادشاه است و به جای غم و اندوه آنان - شادی و نشاط و زندگی خوش هدیه بیاورید . " (23)

اندیشه های بهرام گور و اندرزنامه مشهور او را در « شاهنامه » جستجو کرد. او در این جا گوهر پاک اندیشه های عارفانه و انسان گرایانه خویش را بیان می دارد و سندی جاودانه از آئین کهن آریایی را به یادگار می نهد که از پاره های باشکوه شاهنامه است.

به اتفاق نظر دوران پادشاهی بهرام گور، با نگاه دگردوستی ، یادآور عصر سعادت و بهروزی انسان بوده است .

در کتاب مروج الذهب مسعودی آمده است شاهنشاهی بهرام گور برای آریانیان : آبادانی ، ارتش نیرومند ، مرزهای مستحکم ، زمینهای آباد ، کشاورزی پربرکت ، مالیاتهای سبک و زندگی خوب همراه با شادی و خوش گذرانی هدیه آورد .

در زمان « بهرام گور » است که نوازندگان و رامشگران در کوچه و بازار برای مردم شادی می آفرینند و به مردم عادی اجازه آموختن و رفتن به مدرسه داده می شود. شهرسازی و پیشه ها رونق می گیرد. امنیت و آرامش گسترش می یابد. دوران وی بنا بر اسناد موجود از بهترین دوران های پیشرفت تاریخ کهن سر زمین آریانیان است .

در هفت پیکر نظامی می خوانیم که بهرام گور در يك خشکسالی دهشتناک ، انبارهای غله را گشود و مواد غذایی به مردم ارزانی داشت و بدینوسیله اجازه نداد که طی چهار سال قحطی کسی از گرسنگی بمیرد. به پاس این خدمتی که بهرام به زندگی کرده بود، هاتفی ( آواز دهنده ) به او ندا داد که به مدت چهار سال مرگ از دیار وی رخت بر خواهد بست :



چون تو در چار سال خرسندی  
مرده ای را ز فاقه نپسندی  
چار سالت نوشته شد منشور  
کز دیار تو مرگ باشد دور  
از بزرگان ملک او با خرد  
کس شنیدم که چارسال نمرد (24)

\*\*\*\*

باید دانست که در عرفان آریانای بزرگ، همواره موسیقی از نیروهای مهم معنوی بوده است. در داستان های بهرام گور در شاهنامه می بینیم و می خوانیم که او هم این رامش و شادی تام را برای مردم می خواست و هم برای خود و از ستم و جنگ بیزار بود. (25)

برنامه آوردن کولیان از هند به آریانا را از کارهای او می دانند. او این کار را برای شادمان کردن مردم انجام داده بود زیرا کولیان نوازندگان و رقصندگان توانایی بودند.

نوشته اند که بهرام گور از شنگل پادشاه هند درخواست تا گروهی از آنان را از هند به آریانا گسیل دارد. روایتی که مؤلف: « کتاب - غرر اخبار » در این باره آورده است بدین گونه است:

" ... گویند روزی شامگاهان، بهرام از شکار باز میگشت گروهی از مردم عام را دید که در زردی آفتاب غروب بر سبزه چمن نشسته اند و شراب همی خورند. آنان را از آن روی که خویشتن را از لذت سماع محروم داشته اند بنکوهید. گفتند: ای ملک! امروز رامشگری به صد درهم طلب کردیم و نیافتیم.

بهرام گفت: در کار شما خواهم نگریست. پس بفرمود تا به شنگل پادشاه هند نامه نویسند تا دوازده هزار تن از خنیاگران آزموده و رامشگران کار دیده به دربار وی گسیل دارد. شنگل بفرستاد و بهرام آنان را در سراسر کشور خویش پیرا کند و فرمان داد تا مردم آنان را به کار گیرند و از آنان بهره برند و مزدی شایسته بدانها پردازند و این کولیان (بی خانمان) که اکنون به نواختن عود (آلات موسیقی شبیه تار) و مزمرا (نی) مشهورند از بازماندگان آنانند. " (26)

بر اصل این اندیشه شادی آفرین فرهنگ باستانی آریانیان بود که در روزگار ساسانیان و اشکانیان، موسیقی سرزمین ما رشد بسیار کرد. (27)

افرادی نظیر: رامتین، بامشاد، نکیسا، آزاد، چنگی، سرکش، باربد، پهلبد، رینک، خوش آرزو؛ از موسیقی دانان و آهنگسازان این دوران اند.

از موسیقی ساسانیان افسانه های مانده که اکثرشان از دو آهنگساز و رامشگر معروف « باربد » و « نکیسا » صحبت می کند. این هر دو متعلق به دوران سلطنت ساسانیان بودند.

آهنگهای « دستان داد آفرید »، « دستان پرتو پر خار »، « دستان سبز اندر سبز »، « دستان پیکارگرد » سرود ها و نغمه هایست که توسط موسیقی دان شهیر وقت « باربد » در دربار پادشاه ساسانی خوانده و نواخته شده است:

سرودی به آواز خوش برکشید  
که اکنون تو خوانیش داد آفرید  
زننده دگرگون بیار است رود  
برآورد ناگاه دیگر سرود  
که پیکار گردش همی خواندند  
همی نام از آواز او راندند  
بر آمد دگر باره آواز رود  
دگر گونه تر ساخت بانگ سرود  
همان « سبز در سبز » خوانی کنون  
برین گونه سازند مکر و فسون

\*\*\*\*

پروفیسور بیلی (BAILY) در یکی از مقاله‌های خود که در سال 1934 میلادی نوشته شده، آورده است :

بیان پادشاهی بهرام گور در قالب منظوم ، در شاهنامه فردوسی در چهل و شش شماره به تحریر در آمده است. بگونه مثال ما از جمع کل به نشر شماره اول آن اکتفا میکنیم :

چو بر تخت بنشست بهرام گور  
برو آفرین کرد بهرام و هور  
پرستش گرفت آفریننده را  
جهاندار و بیدار و بیننده را  
خداوند پیروزی و برتری  
خداوند افزونی و کمتری  
خداوند داد و خداوند رای  
کزویست گیتی سراسر به پای  
ازان پس چنین گفت کاین تاج و تخت  
ازو یافتم کافریدست بخت

بدو هستم امید و هم زو هراس  
وزو دارم از نیکوویها سپاس  
شما هم بدو نیز نازش کنید  
بکوشید تا عهد او نشکنید  
زبان برگشادند آریایان  
که بستیم ما بندگی را میان  
که این تاج بر شاه فرخنده باد  
همیشه دل و بخت او زنده باد  
وزان پس همه آفرین خواندند  
همه بر سرش گوهر افشاندند ... (28)

\*\*\*\*\*

مرگ بهرام گور نیز با افسانه همراه است زیرا بدون تردید اینها حاکی از خطراتی نیکی که از خود  
برجای گذاشته بود است. میگویند او در شکارگاهی در اطراف اسپهان ناپدید شد ( در سال 440  
میلادی ) و رهبران امپراتوری ساسانی نزدیک به دو سال او را زنده می پنداشتند و شاه تازه انتخاب  
نکردند. بدین گونه شاهنشاهی پرافتخار بهرام گور پایان گرفت . (29)

سلطنت و حکم فرمائی این شاهنشاه بزرگ آریائی را در چند کلمه میتوان خلاصه کرد :

- او جنگ غیر موفقانه با روم را با شرایط آبرو مندی خاتمه داد .
- قانون عدل و داد را بدون تبعیض مجری داشت .
- زراعت و کشاورزی ، دانش و ادب ، پیشه و هنر را ترویج نمود .
- آریانای بزرگ هنگام وفاتش در اوج قدرت و عظمت بوده است . (30)

پنجم - پاد شاهی خسرو یکم  
(انوشیروان)  
بیست و یکمین  
شاهنشاه امپراتوری ساسانی



خسرو یکم ( انوشیروان دادگر ) فرزند قباد یکم - بیست و یکمین شاهنشاه امپراتوری ساسانی ( 531 - 579 میلادی ) سردار دلاور و سیاست مدار مدبر بود .

پس از پاد شاهی دوباره قباد یکم ( 499 - 531 میلادی ) بین انوشیروان و برادران او « کیوس » و « جام » کشمکش در گرفت. کیوس پسر ارشد قباد چون سلطنت را حق خود می دانست بعد از مرگ پدر خود را پاد شاه اعلام نمود ، لیکن مهبود وزیر اعظم وصیت نامه قباد را که به اسم انوشیروان بود بیرون آورد به استناد آن او خود را شاهنشاه خواند . ( 31 )

فردوسی بزرگ درباره به تخت نشستن او می گوید :

چو کسری نشست از بر گاه نو

همی خواندندی ورا شاه نو

بشاهی بر او خواندند آفرین

بفرمان او شد زمان و زمین

جهان تازه گشت از سر تاج اوی

ابا گرگ و میش آب خوردی بجوی

از آن تخت رخشنده شادان شدند

همه کس براو آفرین خواندند

که این شاه برگاه جاوید باد

فرش برتر از فر جمشید باد

ز بس خوبی و داد و آیین اوی

وزان نامور دانش و دین اوی

ورا نام کردند نوشیروان

که چهرش جوان بود و دولت جوان (32)

انوشیروان در جنگهای خارجی با دولت روم و شورشیان خزرها و اخراج حبشی ها از یمن و مضم ساختن بار دیگر این کشور به امپراتوری ساسانیان و... کامیاب شد و مرزهای آریانا را ایمنی بخشید .

انوشیروان در اوایل سلطنت خویش با آموزش دقیق از جوسپاسی موجود و اوضاع متشنج داخلی در صدد بر آمد تا با دولت روم از راه صلح پیش آید .

ژوستی نین امپراتور روم نیز چون در نظر داشت در اروپا به لشکرکشی هایی دست زند از پیشنهاد صلح او استقبال کرد . و سرانجام جنگی که در مدت سی سال میان روم و آریانا دوام داشت روی موافقت نامه صلح زیر، ختم گردید . :

1 - روم متعهد است که مبلغ یازده هزار پوند طلا برای حفاظت دربند و سایر دژهای قفقاز بدولت آریانا بپردازد و دولت آریانا هم در این نقاط پادگان قوی نگاهدارد .

2 - روم میتواند « دارا » (33) را در تصرف نگاهدارد اما نباید آنجا را مرکز لشکری خود در بین النهرین قرار دهد .

3 - هر قدر از ولایات « لازیکا » (34) که در تصرف طرفین بود از این ببعد هم بهمان حال باقی خواهد بود .

4 - روم و آریانا همیشه باهم متحد خواهند بود .

این پادشاه که نویسندگان اروپا او را « خسرو » و اعراب « کسری » مینامند حقا که دوران حکمروایی او را میتوان از درخشانترین و بزرگترین و نامی ترین دوره های شاهنشاهی ساسانیان آریایی دانست . (35)

عهد بزرگ تمدن ادبی و فلسفی آریانا با سلطنت خسرو انوشیروان آغاز می شود. آریانای بزرگ در هنگام امپراتوری انوشیروان چنان عظمت فرهنگی و علمی و ادبی و فلسفی کسب می کند . که

تربیت معنوی و توسعه ادبیات این عصر نقش سازنده در معرفی و رشد فرهنگ باستانی آریائیان در قرون بعدی ایفاء نموده است .

از سخنان نغز شاهنشاه ساسانی انوشیروان :

شاهنشاه انوشیروان دادگر خوان بزرگی داشت از طلا آراسته با اقسام جوهرات نوشته بود :  
- هر که غذای حلال خورد و مازاد آن را به حاجتمند دهد نوشش باد و هر چه را که با اشتها خوری تو آن را می خوری و هر چه را که بی اشتها خوری او تو را می خورد .

انوشیروان چهار انگشتری بر دست داشت :

- اولین انگشتر مخصوص مالیات بود که نگین آن عقیق بود و نقش عدالت در هنگام گرفتن مالیات بر آن نقش بسته بود .

- دومین انگشتر مخصوص املاک بود که نگین اش فیروزه بود و نقش آبادی بروی آن نقش بسته بود .

سومین انگشتر مخصوص مخارج بود که نگین یاقوت سرمه ای داشت که با نقش تامل و صبر مزین شده بود .

چهارمین انگشتر مخصوص برید بود که نیگن اش یاقوت سرخ بود و همچون آتش می درخشید و نقش امید بر روی آن نقش بسته بود .

از انوشیروان پرسیدند گرانقدرترین گنجها که هنگام حاجت سودمند افتد کدام است ؟ وی گفت : نیکی ای که پیش آزادگان سپرده باشی یا دانشی که برای اعقاب (فرزندان آینده) واگذاری.

از وی پرسیدند : دراز عمر تر از همه مردم کیست وی گفت : هر که عملش بسیار باشد و یارانش از او ادب آموزد یا نیکی فراوان کرده باشد که اعقابش بدو شرف اندوزند . پس حریصان را به صف مردم امین میارید و دروغگویان را جزو آزادگان مشمار .

آخرین گفتار انوشیروان دادگر به فرزندش هرمز ، به سال 579 میلادی :

- فرزندم در زندگی ات بر دیگران فخر مفروش و همچون دیگر انسانهای جامعه باش و خود را بالاتر از آنان بدان .

مبادا تنها در اندیشه آسایش خود باشی زیرا اگر پادشاه در رفاه و آسایش باشد و افراد جامعه در رنج و سختی بسر ببرند هیچ کس در دیار آریانا زمین از تو خشنود نخواهد بود و هیچ کس آسایش نخواهد داشت .

- اگر مایل به حفظ تاج و تخت شاهنشاهی کهن آریانایی بزرگ هستی درویشان و مستمندان را یاری ده .

پادشاه همچون درختی است که مردم کشورش حکم ریشه های آن درخت را ایفا میکنند . درخت زمانی مستحکم خواهد بود که ریشه هایش گسترده و قوی باشد زیرا در غیر این صورت تو نابود خواهی شد .

دل مردمانت را مرنجان که اگر چنین کنی ریشه خودت را ضعیف کرده ای . اگر راه پارسایی و نیک اندیشی را انتخاب کنی و دیگران را به آن دعوت کنی - سرزمین و تاج و تخت ات در پناه خواهد بود .

بخشنده‌گی و امید دادن را قوت ببخش . تو باید مردمانت را از گزند دشمنان و دشواریها محفوظ داری و با ناراحتی آنان اندوهگین شوی . نیز به خاطر داشته باش که نباید همیشه در اندیشه گسترش مرزهای سرزمین ات باشی . زیرا با این کار رعیت ها و مردم مستضعف از تو دلگیر خواهند شد . همیشه از مال اندوزان شجاع در هراس باش زیرا تو را تضعیف خواهند کرد . همیشه پروردگار را در خاطر داشته باش و از او بترس . بدون شک جور و ستم کشور رو به ویرانی خواهد کشاند . در مدت پادشاهی ات دهقانان را یاری ده و آنان را در پناه خود بگیر و از مزدوران و چاپلوسان که دهها برابر دهقانان کار می کنند دوری کن و پاداش کسانی را که نیک میکنند بده و برایش ارزش گذار . (36) .

در مدت نزدیک به پنجاه سال فرمانروایی انوشیروان ، سرزمین آریانای بزرگ از سند تا دریای سرخ ( 37 ) گسترش یافت .

## ششم - پادشاهی یزدگرد سوم

### سی و پنجمین شاهنشاه

#### امپراتوری ساسانی

یزدگرد سوم از اخلاف خسرو پرویز و پسر شاهزاده شهریار و آخرین پادشاه ساسانی است . ( 632 - 651 میلادی ) پس از « آنرمیدخت » نبیره انوشیروان آریائی - در استخر فارس اورا شاه خواندند و در آنتشکده اردشیر تاج شاهی بر سرش نهادند و به یاری رستم فرخ زاد سپهبد آریانای بزرگ ، تمام کشور زیر فرمان یزدگرد درآمد در حالیکه اعراب مسلمان تا دروازه های کشور آمده بودند و پس از چند جنگ که در دوران او میان آریائیان و اعراب رخ داد اعراب مسلمان بر آریائیان غلبه کردند و یزدگرد از مغرب به مشرق رفت تا از خاقان چین کمک طلبد ولی سرانجام در اثر خیانت سردارانش در سال 31 هـ . ق . در قریه زریق نزدیک مرو در کنار رود زریق کشته شد و دوران شاهنشاهی سلسله ساسانیان آریایی پایان رسید . (38)

بژرفی نگه کن که با یزدگرد

چه کرد آن برا فراخته هفت گرد

چو بر خسروی گاه بنشست شاد

کلاه بزرگی به سر بر نهاد

چنین گفت کزدور چرخ روان

منم پاک فرزند نوشیروان

پدر بر پدر پادشاهی مراست

خوروخوشه و برج ماهی مراست

بزرگی دهم هرکه مهتر بود

نیازم آنرا که کهتر بود

نجویم بلندی زفرزانگی

همان رزم وتندی و مردانگی

که برکس نماند همی روز بخت

نه گنج و نه دیهیم شاهی نه تخت

همی نام جاوید باید نه کام

بینداز کام و برافراز نام ( 39 )

\*\*\*\*

هنگامی که یزدگرد سوم پادشاه شد ، مشکلات فراوانی در کشور مستولی بود .:

یکم - تحقق سیاست نظامی و سیاسی جدیدی که از دوره انوشیروان در پیش گرفته شده و آن مبنی بر دادن اختیارات به سپهبدان و ورؤسای استانها و مرزبانان محلی بود ، قدرت شاهنشاهی ساسانیها را متزلزل کرده و یک نوع شرایط خود گامگی و ملوک طوایفی را بوجود آورده بود.

دوم - نهاد های قدرت دفاعی امپراتوری ساسانیان بر اثر جنگهای طولانی ایکه با امپراتوری روم داشتند ، سست و ناتوان شده بودند .

سوم - تحمیل نفوذ خطرناک نجبا و موبدان وضع را نابسامان ساخته بود . دسته بندی ها و اختلافات و کشمکشها بر سر تصاحب قدرت به اوج خود رسیده بود.

در ظرف مدت چهار سال فاصله مرگ خسرو پرویز و جلوس یزدگرد سوم دوازده تن هریک :

- قباد دوم شیرویه فرزند خسرو دوم ( 628 میلادی ) ،

- اردشیر سوم فرزند شیرویه ( 628 - 630 میلادی ) ،

- خسرو سوم فرزند قباد یکم ( 630 میلادی ) ،



- جوانشیر فرزند خسرو دوم ( 630 میلادی ) ،
- پوراندخت دختر خسرو دوم ( 630 - 631 میلادی ) ،
- گشنسب بنده فرزند قباد یکم ( 631 میلادی ) ،
- آرمیدخت دختر خسرو دوم ( 631 میلادی ) ،
- هرمز پنجم نواده خسرو دوم ( 631 میلادی ) ،
- خسرو چهارم نواده خسرو دوم ( 631 میلادی ) ،
- پیروز دوم نواده انوشیروان ( 631 میلادی ) ،
- خسرو پنجم نواده انوشیروان ( 631 میلادی ) ،
- یزدگرد سوم فرزند شهریار ( 632 - 651 میلادی ) ،

به سلطنت رسیدند ؛ ولی در حل منازعات داخلی و خارجی و ایجاد ثبات سیاسی و امنیت ملی سراسری موفق نبودند . این وضع رقتبار سیاسی در حقیقت اعلام خطر شومی برای امپراتوری بزرگ ساسانیان بود.

این وده ها مؤلفه های منفی نیدخل دست به دست هم داده زمینه سقوط امپراتوری ساسانیان و استیلای تازیها را برسرزمین آریائیان مساعد گردانید .

### فروپاشی فرمانروایی شاهنشاهی ساسانیان

از تاریخ 53 پیش از میلاد تا 651 میلادی حدود هفتصدسال بین دوا بر قدرت باستان یعنی روم و آریائیان اشکانی و ساسانی ، حالت جنگ و گاهی صلح برقرار بود. (40)

و همین حوادث موجب تضعیف این دو قدرت عظیم گردید و زمینه را برای چیرگی تازیان فراهم ساخت .

در حدود سال 633 میلادی برابر با 12 هجری قمری عرب ها به مزرهای آریانا رسیدند . قبل از آن حضرت محمد طی نامه ای به خسرو پرویز (سال 590 تا 628 میلادی ) او را به اسلام دعوت کرده بود .

پس از رحلت حضرت محمد و در زمان ابوبکر خلیفه اول ، خالد بن ولید با سپاهیان عرب به مزرهای آریانا بزرگ در بین النهرین رسید . تا قبل از خسرو پرویز وظیفه دفاع از مزرهای آریانا در برابر بادیه نشینان با دولت حیره (41) بود . اما چون خسرو پرویز دولت حیره را برداشت مزربانان آریایی عهده دار مقابله با بادیه نشینان شدند . خالدین ولید در حمله به آریانای بزرگ مزربانان را شکست داد .

در سال 14 هـ . ق. برابر به 635 میلادی که عمرخلیفه دوم از کارها جنگ شام فراغت یافت. آماده جنگ با آریانا گردید. سعدبن ابی وقاص با سی هزار سپاه مامور جنگ با آریائیان شد.

عمر سعد وقاص را با سپاه

فرستاد تا جنگ جوید ز شاه

جو آگاه شد زان سخن یزدگرد

ز هرسو سپاه اندر آورد گرد (42)

یزدگرد هم سپاهی گویا به کمیت یک صد و بیست هزار نفر در تحت فرماندهی رستم فرخ بیاراست .  
عمر در همان سال هیاتی مرکب از دوازده نفر ( بروایتی بیست نفر ) به دربار یزدگرد فرستاد .

در ورود به تیسفون ( پایتخت امپراتوری ساسانیان ) مردم این هیئت را دیده آنها را بواسطه لباسشان استهزاء مینمودند . مخصوصاً کمان شان را به آلت پشم ریزی زنها تشبیه می کردند ، ولی بدن لاغر و خشکیده و در عین حال متهور و جسور و خاصه لحن نظامی آنها نظر امپراتور یزدگرد را که در آن وقت از سقوط شام هم باخبر شده بود جلب کرده آنان را به احترام پذیرفت و پرسید : مقصودتان از رسالتی که دارید چیست ؟ گفتند باید اسلام را قبول کنید یا جزیه دهید .

شاه در جواب با نظر حقارت به آنها نگریسته و اشاره به لباس و فقر و فاقه و بدبختی آنها کرده گفت : شما همان مردمی نیستید که سوسمار میخوردید و اطفال خود را زنده بگور می کردید . نمایندگان عرب با لحن ساده ای تصدیق نمودند گفتند که وضع آنها در سابق همینطور بود ولی حالا آن وضع بکلی تغییر کرده است ، بلی ما فقیر و گرسنه بودیم لیکن خدا خواسته است که غنی و سیر شویم و حالا که شما شمشیر را اختیار کرده اید پس حکم بین ما و شما همان خواهد بود .

بدین ترتیب زمینه جنگ آریانیان و عرب فراهم گردید و در قادیسیه ( کربلائی امروزی ) دو سپاه به جنگ پرداختند و پس از چهارروز جنگ سخت ، رستم فرخ زاد کشته شد و سپاه تازیها بر سپاه یزدگرد پیروز آمد ( سال 14 هـ . ق . برابر به 635 میلادی ) . پس از کشته شدن رستم فرخ زاد و شکست سپاه یزدگرد ، سپاه عرب به امر عمر دو ماه استراحت کرد و سپس در سال ( 16 هـ . ق . برابر به 637 میلادی ) به قصد مداین حرکت کردند . یزدگرد به سعد فرمانده قوای اسلام پیشنهاد کرد که ممالک آن سوی دجله را به مسلمین واگذارد و طرفین صلح نمایند ولی او به استهزاء رد کرد و سرانجام با فتح تیسفون غنایم و ذخایر سرشاری به دست سپاه مسلمین افتاد .

سعد پس از چندی در جلولا با یزدگرد به جنگ پرداخت و شکست دیگری به سپاه او وارد آورد تا سرانجام جنگ نهاوند (43) که اعراب آن را فتح الفتوح نامیده اند رخ داد و سپاه یزدگرد با همه فزونی شماره و آمادگی جنگی آخرین شکست را از سپاه عرب خورد و پس از این جنگ اصفهان و فارس و آذربایجان و ری و بلاد دیگر خراسان به تصرف اعراب درآمد .

و یزدگرد (44) پس از شکست در جنگ نهاوند از ری به اصفهان و از آنجا به کرمان و بعد به بلخ و مرو رفت و پس از آن سفیری به چین فرستاد و از فغفورچین کمک خواست ولی دولت چین به سبب دوری از آریانا از دادن کمک خودداری کرد . بعد یزدگرد با خاقان ترکها مذاکره کرد و او در ابتدا راضی شد به یزدگرد کمک کند ولی بعد به سبب ناراضماندی از رفتار او امتناع ورزید . بعد این وضع دشوار یزدگرد (31 هـ . ق . برابر به 651 میلادی ) در یک حادثه ناگهانی کشته شد و با مرگ او سلسله ساسانی آریایی نژاد پس از 407 سال سلطنت در سرزمین آریانای بزرگ منقرض گردید .

1 - در مجموع گسترش و تغییر شکل زندگی افغانها [ومهاجرت ایشان] ، با حوادث هجوم مغول و تیمور در ارتباط است ؛ هرچند مغول ها موفق به تسخیر هندوستان نشدند، اما جناح راست ساحل رود سند و پنجاب غربی در تصرف آنها در آمد. آنان به مصروفیت های بزرگ جنگی با هند کشانیده شدند؛ این مناطق در طول قرن سیزدهم تا نیمه ی قرن چهاردهم به میدان نبرد های طولانی و مداومی میان فرمان روایان مغول و سلاطین دهلی مبدل گشته بود. به اثر این تهاجمها بنیاد تمدن زراعتی دچار ضعف و ناتوانی گردید و دیگر نتوانست آبادی شهرها، رونق اقتصاد و تجارت را مثل سابق تأمین کند.

زمینهای بلا استفاده را قبایل پشتون که مالدار و خانه بدوش بودند ، یا با اجازه یا بدون اجازه از صاحبان شان که عمدتاً تاجیکان بودند تصاحب نمودند.

ریسنر می نویسد : " زمین های هموار تخلیه شده در قرون سیزدهم - هفدهم که اهالی بومی یعنی تاجیکان آنرا در دامنه های شمال غربی کوههای سلیمان و اقوام مختلف هندی در قسمت جنوب شرقی همین جبال کاملاً یا قسمتاً ترك نمودند ، به تدریج توسط افغانه اشغال شدند. اولین بار به اجازه ی شاهرخ مرزا در اطراف قندهار ساکن شدند.

- رجوع شود به :

- نظریه های «تأمین ثبات» و حل مناسبات تبار - 2 ، نوشته : دکتر محی الدین مهدی .

- بنو و یا سرحد افغانی ما ص 14 ، س.س.س. توریون به نقل از تاریخ تحلیلی افغانستان ص 158 .

- مجله ی آمو ، سال 1380 ، شماره های 2 ، 3 ، 4 ؛ رشد فنودالیسم و تشکیل دولت افغانها، ایگور میخایلوویچ ریسنر ، چاپ دوشنبه .

- تاریخ سلطانی ص 58 ، سلطان محمد بارکزائی، چاپ بمبئی؛

- افغانستان در پنج قرن اخیر ج 1 ص 41 .

2- رجوع شود به :

- زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر بابکان ، صادق هدایت، انتشارات آزادمهر، چاپ نخست 1384 .

- کارنامه اردشیربابکان بامتن پهلوی ، دکتر بهرام فره وشی ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ نخست 1354 .

- شاهنامه فردوسی ، به تصحیح : ژول مول ، چ پنجم ، انتشارات بهزاد ، سال 1379 ، ص 528 .

3- فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر محمد معین ، مؤسسه انتشارات کبیر ، تهران 1376 ، جلد پنجم ، ص 701 .

4 - « طاق کسری » مشهورترین بنایی است که پادشاهان ساسانی در مشرق تیسفون عراق واقع در محله « اسپانیر » ساخته اند . سقف آن به شکل بیضی زده شده و قسمتی از کاخ سفید است . نمای

این بنا که متوجه بشرق است و 29 یا 28 گز ارتفاع دارد، دیواری بوده است بی پنجره لکن طاقنماهای بسیار و ستونهای برجسته و طاقهای کوچک مرتب بچهار طبقه و دیواری « دهلیزی » داشته است . بنایی این اثرشگرف را بعضی منسوب به شاهنشاه شاپوریکم و برخی به انوشیروان در سالهای ( 550 میلادی ) میدانند .

بارگاه با شکوه شاهنشاه ساسانی در این قصر بود و از این جا امور کشور را تمشیت میداد.

رجوع شود به : ایران در زمان ساسانیان ، مؤلف : آرتور کریستن سن ، ترجمه : رشید یاسمی ، چاپ دوم ، صص 174 ، 270 ، 272 .

5 - فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر محمد معین ، مؤسسه انتشارات کبیر ، تهران 1376 ، جلد پنجم ، 702 ، 703 .

6 - فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر محمد معین ، مؤسسه انتشارات کبیر ، تهران 1376 ، جلد پنجم ، 702 ، 703 .

7 - نصیبین شهری قدیمی در جنوب ترکیه است. این شهر در استان ماردین ترکیه واقع شده است. این شهر همینطور مکان نبرد نصیبین نیز بوده است.

8 - حران شهری بسیار کهن در میان رودان است که اکنون در استان شانلی‌اورفه ترکیه قرار دارد. حران منزل ابراهیم پیغمبر بود و به ویژه به عنوان مرکز عمده صابئین و دین آنها نامدار است.

شهرت جاودانی این شهر به سبب فلاسفه و دانشمندانی است که در دوران اسلامی از آن برخاستند که از نامدارترین آنها ثابت بن قره و فرزندان و نوادگان او و بتانی است.

رجوع شود به : دایرةالمعارف فارسی، مصاحب ، غلامحسین ، سرواژه : حران .

جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. مؤلف : لسترنج ، ترجمه محمود عرفان ، چاپ سوم ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1367 ، ص 111 .

9 - رجوع شود به : تاریخ ایران باستان ، مؤلف : حسن پیرنیا ، تاریخ ایران قدیم از آغاز تا انقراض ساسانیان . بویل.جی.آ.. تاریخ سیاسی ایران در ساسانیان. Herrmann, Georgina. 1977,

فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر محمد معین ، مؤسسه انتشارات کبیر ، تهران 1376 ، جلد پنجم ، ص 117 .

10 - تاریخ ایران ، تألیف : سرپرسی سایکس ، ترجمه : فخرالدین محمد تقی فخرداعی گیلانی ، سال 1370 ، نوبت چاپ پنجم ، جلد اول ، ص 540 - 541 .

11 - تاریخ ایران ، تألیف : سرپرسی سایکس ، ترجمه : فخرالدین محمد تقی فخرداعی گیلانی ، سال 1370 ، نوبت چاپ پنجم ، جلد اول ، ص 540 - 541 .

جهت معلومات بیشتر رجوع شود به آثار زیر :

- ترجمه تاریخ طبري، نوشته محمد بن جریر طبری ، چ مشکور، ص 81 و 82 .

- مجمل التواریخ والقصص ، محمدتقی بهار ، سال 1318 ، ص 32 .
- سبک شناسی ج 1 ص 11 و 134 .
- ایران باستان ج 3 ص 2565 .
- تاریخ گزیده ، چ عکسی اروپا ص 104 .
- ایران باستان ج 3 ص 2529 تا 2531 .
- ایران در زمان ساسانیان کریستنسن ، چ 2 ، ص 106 .
- قاموس الاعلام ترکی . و حبیب السیر ، چ خیام ، ج 1 ، ص 222 .
- تاریخ طبری ، چ لیدن ، ج 2 ، ص 813 .
- تاریخ سیستان ، ص 201 .
- ایران تالیف گیرشمن ترجمه دکتر معین ، صص 291 - 318 .
- 12 - رجوع شود به : کتیبه‌های پهلوی ، اکبرزاده ، داریوش ، چاپ دوم ، تهران : پازینه ، سال 1385 .
- شاهنشاهی ساسانی ، دریایی ، تورج ، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر ، تهران : ققنوس ، 1384 .
- فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر محمد معین ، مؤسسه انتشارات کبیر ، تهران 1376 ، جلد پنجم ، ج 5 ، ص 852 - 853 .
- 13 - تصویر بر گرفته شده از این آدرس : ([famous.mihanblog.com](http://famous.mihanblog.com))
- 14 - ایران از آغاز تا اسلام ، مؤلف : ر.گیرشمن ، ترجمه : محمد معین ، انتشارات علمی و فرهنگی ، 1364 . جهت معلومات بیشتر رجوع شود :
- رامتین ، ایرج ، شاپور اول ، فاتح جنگهای ایران و روم ، مشهد ، انتشارات سنبله ، 1386 .
- بابایی ، پویان ، شاپور اول ، همبستگی ، 1384 ، ص 7 .
- 15 - تاریخ ایران ، تألیف : سرپرسی سایکس ، ترجمه : محمد تقی فخر داعی ، ج اول ، ناشر : دنیای کتاب ، نوبت چاپ : پنجم ، ص 560 - 561 .
- و همچنان رجوع شود به : فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر محمد معین ، مؤسسه انتشارات کبیر ، تهران 1376 ، جلد پنجم ، ص 854 - 855 .
- 16 - سلسله کوشان که « کنشکای بزرگ » آنرا بنیان نهاده بود از نژاد سکاها می باشند . « سکاها » نام قوم ایست مختلط که عنصر آریایی در آن غالب بود . که محل زندگی آنان از شمال به دشت‌های جنوب سیبری ، از جنوب به دریای خزر و دریاچه آرال ، از خاور به ترکستان چین و از باختر تا رود دانوب می‌رسید . سکاها مردمانی جنگجو بودند و گهگاه به سرزمین‌های همسایه خود یورش می‌بردند . سکاها از شاخه‌های نژاد هند و اروپایی بودند که همواره در تاریخ قدیم آریانای

بزرگ خودنمایی می‌کردند. در نوشته‌های هرودوت، بقراط، ارسطو، استرابون، و بطلمیوس اطلاعاتی در مورد سکاها داده شده است.

17 - دیاربکر یا « آمیدا » یکی از شهرهای ترکیه است. و جمعیت آن پیرامون یک و نیم میلیون نفر است. شمار شهرستان‌های این استان 13 و شمار روستاهای آن 734 است.

شهر دیاربکر (آمیدا) بزرگترین شهر کردنشین ترکیه است و دارای برج و باروی تاریخی استواری است که مربوط به دوره امپراتوری روم شرقی است.

18 - شاهنشاهی ساسانی، تورج دریایی، برگردان مرتضی ثاقب‌فر، نشر ققنوس، چاپ یکم، 1383 .

- ایران باستان، میرزا حسن پیرنیا، تهران: دنیای کتاب، چاپ نهم، 1378.

19 - زئوس در اسطوره‌های یونان باستان، پادشاه خدایان است. او بزرگترین فرمانروای کوه المپ و معبد تمام خدایانی که در آنجا بنا شده بودند، بود. با بودن بزرگترین حکفرما او قانون، عدالت و معنویت را تعیین می‌نمود، و این مسئله او را رهبر روحانی خدایان و انسان‌ها نمود.

زئوس خدای آسمان‌ها بود، و در اصل به عنوان خدای آسمان و هوا از طرف قبایل یونانی پرستش می‌شد.

20 - رجوع شود به: سایت "تاریخ ایران در این روز" نوشته دکتر نوشیروان کیهانی زاده .

21 - فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، چاپ یازدهم 1376، جلد 6، ص 2135 .

22 - شاهنشاهی ساسانی، تورج دریایی، برگردان مرتضی ثاقب‌فر، چاپ یکم، نشر ققنوس، چاپ 1383، ص 57 .

- سلطان عشق و حماسه (زندگی پرماجرای بهرام گور)، جلد 1 و 2

- نظامی گنجوی، هفت پیکر، بهرامنامه

- علی اکبر دهخدا، لغت نامه

23 - برگرفته شده از گفتار: شاهنامه فردوسی بزرگ (درباره پادشاهی بهرام گور .)، به تصحیح ژول مول، چاپ پنجم 1379، انتشارات بهزاد - تهران، ص 596 - 610 .

24 - کلیات خمسه ی نظامی، چاپ چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران 1366، ص 662 تا 664 .

25 - 54k - saeed.persianblog.com/ سال 1382 هـ . ق . .

26 - رجوع شود به اثر: غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم - از جمله کتابهای نفیس که مربوط به تاریخ سلاطین آریانای بزرگ و شرح احوال آنان است و در سنه 1900 م . به تصحیح و ترجمه: « زوتنبرگ » در پاریس به طبع رسیده است . این کتاب بنابر تحقیقاتی که ناشر و مترجم فرانسه آن کرده بین سنوات 408 و 412 هـ . ق . به رشته تحریر درآمده و نسخ موجود از آن منحصر به سه نسخه قدیمی بوده است که یکی متعلق به کتابخانه ابراهیم پاشا در قسطنطنیه و دو نسخه دیگر در ضبط کتابخانه ملی پاریس است .

و - تاریخ ایران ، تألیف : سرپرسی سایکس ، ترجمه : فخرالدین محمد تقی فخرداعی گیلانی ، سال 1370 ، نوبت چاپ پنجم ، جلد اول ، ص 594 .

27 - رجوع شود به صفحات :

shahnameh.recent.ir/default.aspx?item=494 - 8k و

www.mehrargham.com/dorjonline/Shahnameh/partpoem49.html - 22k و

fa.wikipedia.org/wiki/ - گور - 16k -

28 - شاهنامه فردوسی ، به تصحیح ژول مول ، چاپ پنجم 1379 ، انتشارات بهزاد - تهران ، ص 596 - 610 .

29 - برگرفته شده از سایت : (farshidh.blogfa.com)

- شاهنشاهی ساسانی ، تورج دریایی ، برگردان مرتضی ثاقب فر ، چاپ یکم ، نشر ققنوس ، چاپ 1383 ، و

- کتاب: (مروج الذهب ومعاون الجوهر ) مؤلف : مسعودی علی فرزند حسین ، نشر بیروت ، چاپ بیست و ششم ، انتشارات سال 1985 میلادی .

- کتاب تاریخ طبری - مؤلف : محمد بن جریر طبری (تاریخ طبری دارای 16 جلد و مرجع عمده تاریخ ایران تا اول سده چهارم هجری است ... )

طبری این تاریخ را از زمان خلقت شروع کرده و سپس به نقل داستان پیامبران و پادشاهان قدیمی می‌پردازد. در بخش بعدی کتاب طبری به نقل تاریخ پادشاهان ساسانی می‌پردازد، و از آنجا به نقل زندگی پیامبر اسلام ، محمد می‌پردازد. در این کتاب وقایع پس از شروع تاریخ اسلامی (مقارن با هجرت به مدینه) به ترتیب سال تنظیم شده و تا سال 293 هجری شمسی را در بر می‌گیرد.

30 - تاریخ ایران ، تألیف : سرپرسی سایکس ، ترجمه : فخرالدین محمد تقی فخرداعی گیلانی ، سال 1370 ، نوبت چاپ پنجم ، جلد اول ، ص 595 .

31 - تاریخ ایران ، تألیف : سرپرسی سایکس ، ترجمه : فخرالدین محمد تقی فخرداعی گیلانی ، سال 1370 ، نوبت چاپ پنجم ، جلد اول ، ص 617 .

32 - شاهنامه فردوسی ، به تصحیح ژول مول ، چاپ پنجم 1379 ، انتشارات بهزاد - تهران ، ص 622 .

33 - « دارا » مکانی است در جنوب ترکیه امروزی ، واز جزیره‌های غیر مسکونی ایرانی در خلیج فارس است. این جزیره در دهانه خور موسی قرار دارد. این جزیره غیر مسکونی محل تخم‌گذاری پرستوهای دریایی است .

34 - « لا زیکا » مکانی است در جنوبی گرجستان امروزی .

- 35 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 191 .
- 36 - کتاب : (مروج الذهب ومعاون الجوهر ) مؤلف : مسعودی علی فرزند حسین ، نشر بیروت ، چاپ بیست و ششم ، انتشارات سال 1985 میلادی . وهمچنان جهت معلومات بیشتر به منابع زیر مراجعه شود :
- کتبه‌های پهلوی ، اکبرزاده ، داریوش ، تهران : انتشارات پازینه ، 1385 .
  - کتبه‌های پهلوی اشکانی ، اکبرزاده ، داریوش ، چاپ اول ، انتشارات پازینه، تهران 1382
  - تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تفضلی، احمد ، چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران 1377 .
  - تاریخ کامل ایران باستان مهرآبادی ، میترا ، ، چاپ اول، انتشارات افراسیاب ، تهران 1380 .
  - مانی و تعلیمات او ، ویدن گرن، گنو، ترجمه : دکتر نزهت صفای اصفهانی ، ویرایش دوم چاپ اول ، نشر مرکز، تهران 1376 .
  - فرهنگ کوچک زبان پهلوی ، مؤلف " مکنزی، دیوید نیل ، ترجمه : مهشید میرفرخزایی ، تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1379 .
- 37 - دریای سرخ از حیث مساحت پانزدهمین دریای جهان به شمار می‌رود که به عربی : البحر الاحمر گویند ، خلیجی است بین شبه‌جزیره عربستان و شمال شرقی قاره آفریقا قرار دارد. واز طریق (تنگه مندب) با خلیج عدن و اقیانوس هند ارتباط می یابد .
- کانال سوئز در شمال آن را به دریای مدیترانه وصل می‌کند. همسایگان این دریا کشورهای عربستان سعودی، یمن، جیبوتی، اتیوپی، سودان، مصر و اردن می‌باشند. این دریا حد فاصل میان دو قاره آسیا و آفریقا است.
- 38 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 2332 .
- 38 - - شاهنامه فردوسی ، به تصحیح ژول مول ، چاپ پنجم 1379 ، انتشارات بهزاد - تهران ، ص 795 .
- 40 - نبرد حَرّان 53 میلادی ، جنگ 58 - 63 ، لشکرکشی تراژان به پارت ، نبرد تیسفون 165 میلادی ، نبرد تیسفون 198 میلادی ، نبرد نصیبین ، نبرد راسائنا ، نبرد میسیکه ، نبرد بربلیسوس ، نبرد اِیسا ، نبرد سِنجار ، محاصره آمیدا ، نبرد تیسفون 363 میلادی ، نبرد سامِرا ، جنگ آناستازی ، جنگ ایبری ، جنگ لازی ، جنگ 572 - 591 میلادی ، نبرد آنطاکیه ، محاصره اورشلیم ، محاصره اسکندریه ، محاصره خالکیدون ، نبرد ایسوس 622 میلادی ، نبرد ساروس ، محاصره کنستانتینوپول ، نبرد نینوا ...
- جهت معلومات بیشتر به منابع زیر :
- ایران‌نامه ، جلد سوم ، نوشته عباس مهرین شوشتری، انتشارات بانک ملی ایران ،
  - تاریخ آسیا، رنیران‌نامه، جلد سوم، نوشته عباس مهرین شوشتری، انتشارات بانک ملی ایران ، ترجمه مصطفی فرزانه ، انتشارات علمی، تهران، 1329 .



- تاریخ روم ، آلبرماله و ژول ایزاک، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، ابن‌سینا، تهران، 1341 .

- تاریخ ایران قبل از اسلام ، پیرنیا ، عباس اقبال، انتشارات نگاه، تهران ،

41 - حیره از شهرهای قدیم میان‌رودان است که در نزدیکی شش و نیم کیلومتری جنوب شهر نجف کنونی عراق قرار گرفته بود.

این شهر پایتخت ملوک لخمی بود که آنها نیز خود فرمان‌بردار پادشاهان ساسانی بودند. با بزرگ شدن شهر کوفه ، از آبادانی حیره کاسته شد و سپس به تدریج از میان رفت. نام حیره از ریشه‌ای آرامی به معنی اردوگاه مرکب از خیمه‌ها است.

این منطقه از مراکز مهم فرهنگی آریانیان بوده و از این مرکز ساز بربط به دنیای عرب معرفی گردید.

42 - شاهنامه فردوسی ، به تصحیح ژول مول ، چاپ پنجم 1379 ، انتشارات بهزاد - تهران ، ص 796 .

43 - جنگ نهاوند ، در سال بیست و یکم هجری (641 میلادی) بین سپاه آریانیان و اعراب در حمله اعراب به آریانای بزرگ در نزدیکی نهاوند که در منطقه کوهستانی واقع شده اتفاق افتاد. جنگ نهاوند که مسلمین آن را فتح‌الفتوح نامیدند یکی از مهم‌ترین جنگ‌هایی است که بین اعراب مسلمان و امپراتوری آریانیان اتفاق افتاده است. این اثیر در خصوص علت این نام‌گذاری می‌نویسد: مسلمین فتح نهاوند را «فتح‌الفتوح» نامیدند زیرا بعد از آن آریانیان نتوانستند جمع شده و در برابر اعراب بایستند، و پس از این جنگ بود که مسلمین سراسر کشور آریانای بزرگ را تصرف کردند، و امپراطوری ساسانی فروپاشید.

44 - رجوع شود : تاریخ ایران ، تألیف : سرپرسی سایکس ، ترجمه : فخرالدین محمد تقی فخرداعی گیلانی ، سال 1370 ، نوبت چاپ پنجم ، جلد اول ، ص 685، 686 .

- تاریخ ایران باستان ، میرزا حسن پیرنیا، تهران : دنیای کتاب ، چاپ نهم ، 1378. صص 229 - 239 .

- (تاریخ کامل ایران) ، دکتر رازی ، عبدالله ، همدانی چاپخانه اقبال سال 1363 خورشیدی.

- ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستن سن، رشید یاسمی، دکتر حسن رضایی باغ‌بیدی، انتشارات صدای معاصر، چ پنجم، 1385 .

**قسمت سوم**  
**شاهنشاهی اشکانیان ( پارتیان )**  
**( 250 پ . م . تا 226 میلادی )**  
**دوران ( 476 سال )**

دکتر نت بصیر کامجو

آلمان - جنوری 2010

همشهری های گرامی! نخست از همه بهترین تمنیات نیک و درود های بی پایان خویش را به تک تک شما عزیزان تقدیم مینمایم . امیدواریم که همه در لباس عاقبت شاد و خرم باشید.

خوانندگان عزیز مرام از نوشتن این رساله ، ادای رسالتی در راه بازشناسی هویت ملی وباستانی مردمان بومی این سرزمین از هزاره اول پیش از میلاد تا عصر حاضر ، می باشد . به باور ما این اقدام روشنگری عاقلانه از هر دستی و به هروسیله ای که اجرا گردد ، بنفع تأمین صلح و ثبات و همآیشی ملی واقعی درکشور خود ما و منطقه تمام خواهد شد .

به این سلسله باید گفت که ما در هفته های گذشته با ایجاز کامل در دو قسمت اول و دوم این بحث ، تحت نام « پادشاهان آریایی » موفق به شرح امپراتوری ماد ها و امپراتوری هخامنشی ها شده ایم .

اینک در قسمت سوم بحث حاضرکه مختص به شرح امپراتوری اشکانیان ( پارت ها ) می باشد ، تلاش مینماییم ، تا از دراز کردن سخن جلوگیری نموده مسایل موجه ، ضرور و مقبول حوادث را به بیان گیریم .

این یک حقیقت آفتابی است که تمامی مشکلات امروز ما به علت فاصله گرفتن از اصل و هویت ماست . وقتی انسان از این ارزشهای « هویت و اصلیت » خویش تهی شود ، ذهن آن ضربه پذیر شده و آماده پذیرش هر فرهنگ بیگانه ای می شود .

مردمان سرزمین ما برای واپسگیری هویت فرهنگی و معرفتی وتاریخی خویش که اصلیت آنها را می سازد بایست ارادت مندانه و تسلیم ناپذیر مبارزه نمایند . وبار دیگر مانند اسلاف خویش از شایسته سالاری زبان فارسی وفرهنگی که با این زبان حوزه تمدنی آسیا ابداع و رشد کرده دفاع کنند .

گرچه مردمان آزاده ما از سده های قدیم به این سو در فرآیند تاریخ استقلال خواهی سرزمین خویش از لحاظ روحی شاهد هزاران ایثار و شهادت ، در راه دفاع از « هویت و اصلیت » و باور های معرفتی و علمی این خطه در برابر مهاجمان یونانی ، رومی ، عربی ومغلی و گورکانی وانگلیسی ... بوده اند .

اما با تأسف که اخلاف شان در شرایط کنونی در داخل کشوری بنام افغانستان حتا موفق بدفاع از سرنوشت زبان فارسی این نماد هویت هستی همگانی ، و از دست آورد های فرهنگی و تاریخی

خویش در برابر اقدامات فرهنگ ستیزی دولت مرکز گرا و تمامیت خواه حامد کرزی و تیم همتبارش نمی باشند .

وبدین اساس هم هست که هرروز با کلند رهبران شوونیزم حاکم قبیله (و بویژه وزارت های فرهنگ ، معارف ، داخله و برخی از نهاد های وزارت تحصیلات عالی و مسلکی ، اکادمی علوم ووو ... ) خشتی از بنای زبان فارسی و فرهنگ ما تخریب میگردد .

واز طریق رسانه های جمعی وتلوویزیونهای دولتی وشخصی سیاست کهنه ای :

( مرکه پشتو ) امان الله خان و ( پشتو تولنه ) ظاهر خان و داود خان آشکارا تطبیق وپیش برده می شود .

اگر در کشور ما از طرف فارسی زبانان در برابر چنین اقدامات دولت ، کاری صورت نگیرد در آن صورت حاکمیت دست نشانده ودستیاران تمامیت خواهش با بدبینی وحسادت ایکه در برابر عظمت فرهنگی این سرزمین دارند ، آهسته آهسته موفق به مغز شویی جوانان و بیگانه سازی آنها از اصل شان ، خواهند گردید .

ما باید به ارزش زبان فارسی وفرهنگ باستانی مان به دیده قدر بنگریم . ودر این مقطع باید از شرایط محیا شده زمان استفاده بیشتر بریم تا مفاهیم دفاع مقدس از ارزشهای اصالت خودی را به نسل نوین انتقال دهیم . وبدین وسیله آن معرفت هویتی ای را که متجلی عزت و افتخار ماست به باور ها ، احساس وعمل و اراده مردم بومی این سرزمین تبدیل نمائیم .

الان در کشور ما به اصطلاح اوغانستان سیاست خشونت پرور وغیر انسانی حاکمیت قلبی و مصنوع حامد کرزی و تیم مرکزگرای وی از یک سو وطالبان ظلمت ( سربازان چشم بسته سرمایه ) از سوی دیگر هردو زیر نام به اصطلاح « دموکراسی » و « اسلام » فقط شرارت می آفرینند . زیرا دروجود فضای تشنج وجنگ و خون است که تحقق اهداف شوونیزم قبیله مؤثر واقع می شود . اگر اینطور نیست پس چرا مانند دیگر کشور های متمدن جهان در کشور ما آرامش وثبات مستولی نمی شود .

درحالیکه زیاده از دوسده اخیر رهبران دولت ورهبران اپوزیسیون هردو از یک تبار پشتون اوغان هستند .

سوای آن رهبری قدرت سیاسی ، قدرت اقتصادی و قدرت دفاعی وقضایی یکسره از ابتدا تا انتها ، بصورت مستقیم و غیر مستقیم بمدد نهاد های سیاسی استعمار کهنه و نو در دست این قوم محفوظ نگهداشته شده است .

اگر قول روزنامه ای گاردین منتشره ای 15 جنوری 2010 که : " دولت اسرائیل پشتونها را قبیله ی گمشده ی اسرائیلی میدانند " و به تائید قول روزنامه لوفیگارو که " ظاهرشاه ، در جواب خبرنگار ایتالیائی در باره نسبش گفته بود که من از قبیله بنیامین یهودی هستم . " را منحصیث یک واقعیت تاریخی تلقی کنیم . واضح می گردد که علت خشونت پیشگی ایشان در این هفته است که اینها محبت ذاتی و احساس پاک اخلاقی به قدرت دارند ، نه به آب و خاک ومردم این سرزمین .

با آموزش فرآورد های عمل سیاسی حاکمان پشتون افغان در تاریخ تحولات دو سده اخیر میتوان اذعان کرد که شیرازه مادی و معنوی این سرزمین از دستان ستمگستر اینها چقدر عمیق تخریب گردیده ومردم آن عذاب ورنج کشیده است . اگر واقعاً عشق ذاتی میهن پرستانه به مادر وطن درقلب

رهبران این قوم وجود می داشت با ابن همه تنفر تیره فرهنگ ، خانه و کاشانه این وطن را ویران و داغان نه کرده و نمی کردند .

اجازه استمرار چنین یک روند ضد انسانی و ضد فرهنگی در کشور ما گناه بزرگ است . به این مناسبت ما از تمامی نیرو های دگر اندیش و سازنده جامعه نوین بشمول دانش آموختگان و دانشجویان ، استادان دانشگاه و دانشکده ها ، شاگردان مکاتب و کارمندان مراکز آموزش و پرورش و از همه شهروندان صلح خواه کشور آرزو می بریم که در صف همبستگی اجتماعی از زبان فارسی و فرهنگ باستانی این سرزمین دفاع کنند .

و امید داریم که دست اندرکاران فرهنگی و نهاد ها و رسانه های جمعی - جرید و روزنامه های میهن پرست و غیر وابسته به حاکمیت ، به هر قیمتی که می شود جلو تحقق سیاست پشتونسازی کشور را بگیرند .

زیرا صرف همین زبان ما و فرهنگ ما و دست آورد های فرهنگی و تاریخی ما عزت و اصالت ما را تمثیل مینماید . بدون آن ما جسم بی جانی بیش نیستیم . باید در حفظ و نگهداری این ارزشهایی جاویدانه جان خود را فدا کرد . و پیوسته آنرا شناخت و به نسل دگر اندیش معرفی نمود .

هدف و انگیزه نوشته هذا ادامه بحثی مبنی بر شناخت و معرفی برخی از یادداشت های تاریخ باستانی سرزمین ماست . گرچه در کشور های : ایران و تاجکستان و ازبکستان ( سمرقند و بخارا ) هندوستان و روسیه ، روم و یونان ، مصر و عراق ، سوریه و ارمنستان و انگلستان و... راجع به تاریخ باستانی آریایی ها و سایر ملیت های باهم برادر این سرزمین هزاران اثر معتبر و تحقیقی بهتر و بیشتر در مورد نوشته شده وجود دارد .

اما خوانش یادداشت های این قلم و نحوه بیان آن به نسل جوان کشور ما خراسان - افغانستان زمینه ساز کارشناسانه به مفهوم آگاهی و بیداری آنها خیلی پراهمیت و مفید خواهد بود .

## آغاز سخن

طوریکه در قسمت دوم این رساله گفته شد ، داریوش سوم ( 336 تا 330 پیش از میلاد ) آخرین پادشاه هخامنشی بود . (1) وی در نبرد های :

- گرانیک یا گرانیکوس ( بهار 334 پ. م . ) ( 2 ) ؛

- جنگ ترموپیل ( 3 ) ؛

- جنگ مستقیم ( ایسوس ) ( 333 پ. م . ) ( 4 ) ؛

- و جنگ گوگمل ( 331 پ. م . ) ( 5 ) میان آریانیان و یونانیان - از اسکندر مقدونی شکست خورد و سرزمین آریایی بزرگ بعد از 220 سال فرمانروایی شاهان هخامنشی ، بدست مهاجمان یونانی افتاد .

پس از مرگ اسکندر مقدونی ( 323 پ . م ) سرزمین های تسخیر شده او میان سردارانش تقسیم شدند. به این ترتیب آریانا تحت حکومت سلوکیان ( 6 ) در آمد. و بیش از شصت و پنج سال ( 312 - 250 پ . م . ) در تحت فرمان آنان باقی ماند .

مگر در این مدت آریایی‌ها بجهت دفاع از سرزمین و فرهنگ خویش، آرام‌نه نشستند و با استفاده از موقعیت سیاسی و اجتماعی، نفوذ خود را در مسیر جنبش استقلال خواهی گسترش دادند و سرانجام توانستند عاملی برای ابراز وجود و نابودی استیلای سلوکیان در آریانایی بزرگ شوند.

ایجاد جوسیاسی جنبش استقلال خواهی در سرزمین آریانایی بزرگ علیه استیلای سلوکیان (یونانی) بصورت کل و اعلام استقلال ایالت باکتريا (باختر، بلخ) و تأثیرات عمیق آن بر اوضاع سیاسی و سراسری کشور همه دست بدست هم داده تا اینکه اشک (250 - 248 پ. م.) مؤسس خاندان اشکانی در سال 250 پ. م. ضد آنتیوخوس دوم (261 - 246 پ. م.) پادشاه سلوکی قیام کرد و دولت آریایی مستقلی را تشکیل داد.

بعداً پادشاهان این سلسله بمناسبت احترام او واژه «اشک» را برنام خود افزودند. مثلاً اشک دوم، اشک سوم و آخرین پادشاه سلسله اشکانی «اشک بیست و نهم اردوان پنجم (216 - 226 میلادی) است.

"اشکانیان سلسله ایست از پادشاهان آریانا که از خراسان (پارت) از شعبه ای نژاد آریایی ظهور کردند و قریب پانصد سال از 250 - پیش از میلاد تا 226 میلادی در این سرزمین (آریانا) حکومت نموده اند." (7)، و تاکنون دراز مدت ترین امپراتوری در تاریخ چندین هزار ساله آریائیان محسوب می شود.



امپراتوری اشکانی 250 پ. م. تا 226 م. در حدود سال یکم میلادی

ما در این بخش به گونه مثال سوای ذکر اسمای شاهان سلسله اشکانی بررسی برخی از کارنامه های آنها مبادرت می ورزیم.

پادشاهان اشکانی آریائی عبارت اند از :

1 - اشک یکم

2 - تیرداد یکم (اشک دوم)

3 - اردوان یکم (اشک سوم)

4 - فریایپت (اشک چهارم)

5 - فرهاد یکم (اشک پنجم)

6 - مهرداد یکم (اشک ششم)

7 - فرهاد دوم (اشک هفتم)

8 - اردوان دوم (اشک هشتم)

9 - مهرداد دوم (اشک نهم)

|- گودرز یکم

|- اُرد یکم

10 - سیناتروک (اشک دهم)

11 - فرهاد سوم (اشک یازدهم)

12 - مهرداد سوم (اشک دوازدهم)

13 - ارد دوم (اشک سیزدهم)

14 - فرهاد چهارم (اشک چهاردهم)

|- تیرداد دوم

15 - فرهاد پنجم/ ملکه موزا (اشک پانزدهم)

16 - ارد سوم (اشک شانزدهم)

17 - وئُن یکم (اشک هفدهم)

18 - اردوان سوم (اشک هیجدهم)

|- تیرداد سوم

19 - وردان (اشک نوزدهم)

20 - گودرز دوم (اشک بیستم)

21 - ورن دوم (اشک بیست و یکم)

22 - بلاش یکم (اشک بیست و دوم)

23 - پاکور (اشک بیست و سوم)

|- اردوان چهارم

24 - خسرو (اشک بیست و چهارم)

|- بلاش دوم

|- مهرداد چهارم

25 - بلاش سوم (اشک بیست و پنجم)

26 - بلاش چهارم (اشک بیست و ششم)

27 - بلاش پنجم (اشک بیست و هفتم)

28 - بلاش ششم (اشک بیست و هشتم)

29- اردوان پنجم (8) (اشک بیست و نهم)

## اول - پادشاهی « اشک یکم »

### مؤسس امپراتوری اشکانیان

آرشک یا اشک یکم (سلطنت از 250 پ.م . تا 248 پ.م.) نام بنیان‌گذار شاهنشاه آریایی اشکانیان است. (9)

لوسیوس فلاویوس آریان گزنفون ( 92 - 175 م . ) (10) مورخ یونانی‌نژاد رومی آورده‌است که :  
" اشک یکم و برادرش تیرداد یکم ، هر دو از تبار اردشیر دوم هخامنشی، شاهنشاه هستند."

اگر چه دولت اشکانی به وسیله اشک اول و برادرش تیرداد پایه گذاری شد ، اما استواری و استحکام واقعی آن به وسیله مهرداد اول و دوم ، بترتیب ( ششمین و نهمین اشک ) این سلسله انجام پذیرفت .



اشک یکم

## دوم - پادشاهی تیرداد یکم ، اشک دوم

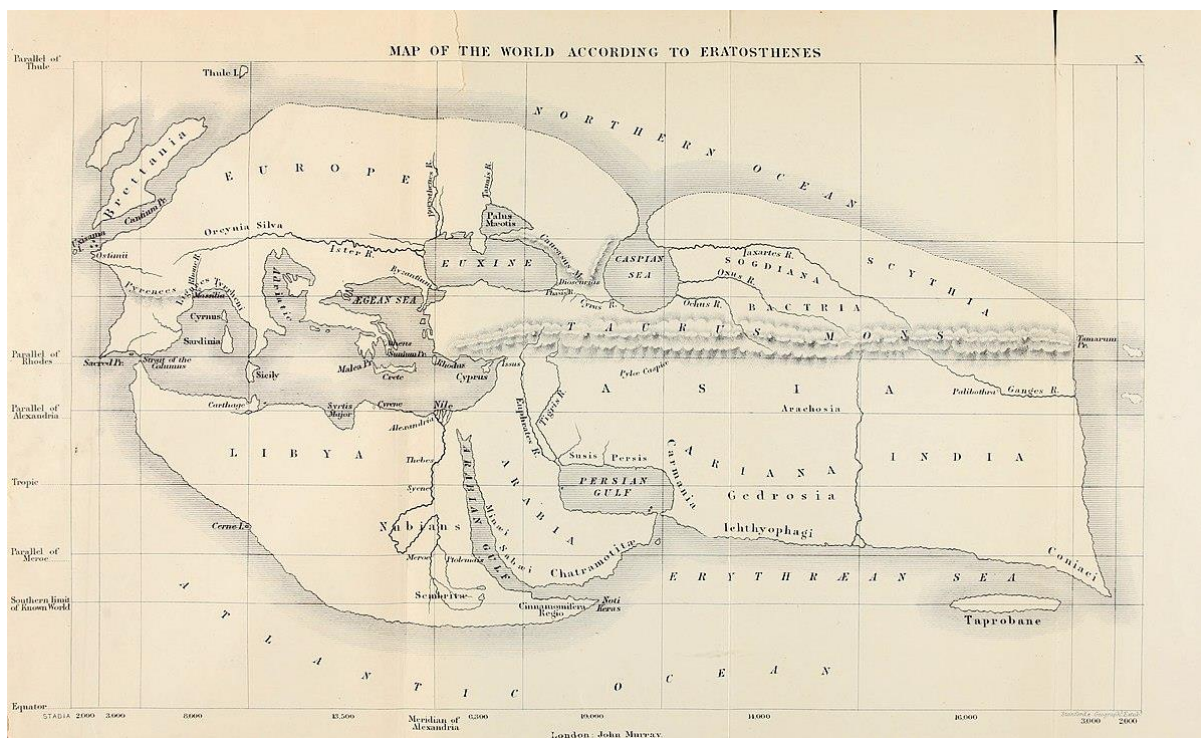


تیرداد یکم ، دومین شاهنشاه اشکانی آریایی است. او پس از برادرش اشک یکم به تخت نشست و با پادشاه سلوکی : سلوکوس کالی نیکوس ( 246 - 225 پ . م . ) جنگید و او را شکست داد ، از 247 تا 214 پ . م . ) سلطنت کرد. (11) وی به استواری و پایداری موقعیت سیاسی و نظامی و اجتماعی دولت نوپای اشکانی پرداخت.

تیرداد از گرفتاریهای زیاد سلوکیان در مغرب استفاده نموده و گرگان را به پارت ضمیمه کرد. سپس با دیودوت پادشاه باختر متحد شده و خود را مانند سلفش ( شاهان هخامنشی ) ، شاهنشاه خواند.



در زمان سلطنت تیرداد ( اشک دوم ) شهر صدرروازه پایتخت اشکانیان بود. (12)



نقشه ای که اراتوستوس در سال 220 پ . م . تهیه کرده است

سوم - پادشاهی اردوان یکم ، اشک سوم



اردوان یکم

اردوان یکم پسر تیرداد یکم ، سومین شاهنشاه اشکانی آریایی است که از ( 214 - 196 پ . م . ) حکومت نمود . (13)

از کارنامه های تاریخی وی معلوم است که او یک مرد میهن پرست با تدبیر و در برابر مهاجمین تسلیم ناپذیر بود.

او از منازعه آنتیوخوس سوم ( پسر سلکوس کالی نیکوس ) با آخه لائوس و با یکی از ولات او استفاده کرده ، با بهره مندی از لشکر نیرومند و سرداران ماهر خویش ، بماد تاخت و راهی را که از گرگان بکوه های کردستان میرفت در تحت تسلط خویش درآورد. و با این حرکت کلد و بین النهرین قدیم را در تحت تهدید گذاشت . (14)

نبرد آزادی خواهی اردوان شاهنشاه سوم کاشانی علیه آنتیوخوس سوم یونانی مدتی بطول انجامید و آریانیان در این جنبش استقلال خواهی چه در باختر و چه در پارت به مقابل سلوکیان مهاجم سر اطاعت فرود نآوردند و تا پای و جان از سرزمین خویش دفاع نمودند . سرانجام بر اثر این مقاومت آنتیوخوس در حوالی ( 206 پ . م . ) شکست را می پذیرد و استقلال آریانیایی بزرگ و همبسته را برسمیت می شناسد .

باید گفت که در این جنگها لشکر آنتیوخوس شهر ها را آتش زدند و معبد آناهیتا را در همدان غارت نمودند ، ذخایر و نفایس زیاد از آنجا بر گرفتند . نوشته اند چهار هزار تالان (15) قیمت ذخایر بوده است .

## چهارم - پادشاهی مهرداد یکم ، اشک ششم

مهرداد یکم پسر ( فریابت ) ششمین شاه سلسله اشکانی است . وی پس از برادرش فرهاد یکم بر تخت شاهی نشست و دولت اشکانیان را به منتها درجه قدرت رسانید . با دمتریوس دوم پادشاه سلوکی جنگ کرد او را مغلوب و به زندان انداخت . ( 16 )

وی نخستین شاه از اشکانیان بود که خود را شاهنشاه خواند و از 171 تا 138 پیش از میلاد سلطنت کرده است



مهرداد یکم

او بانی عظمت و اقتدار دولت اشکانی گردید. شهادت و دلیری او سبب شد تا برخی از سرزمین‌ها را از سلوکیان که به واسطه جنگ با رومی‌ها و یهودی‌ها ضعیف شده بودند بگیرد؛ سپس آذربایجان را از امرای محلی که در آنجا استقلال یافته بودند خالی کرد. پس از آن خوزستان و پارس و بابل را تابع ساخت و قدرت دولتی را در قسمت عمده آریانای قدیم توسعه بخشید.

بعد به هند رفته، قطعه‌ای را تا رود جلم به کشور اشکانیها ضمیمه کرد. به این ترتیب امپراتوری اشکانیان آریایی وسعت قابل توجهی پیدا کرد. بطوریکه مملکت او (17) بعد از رقیب و همسر دولت جهانی روم گردید.

## پنجم - پادشاهی مهرداد دوم ، اشک نهم

مهرداد دوم یا مهرداد کبیر (اشک نهم) نهمین شاه از دودمان اشکانی آریایی است که (از 124 تا 74 پ.م) سلطنت کرد (18). لقب کبیر را به دلیل مقتدر بودن و نظم و سازمان دادن به امور آریانای بزرگ به او داده‌اند. اوزمانی به شاهی رسید که آریانا از هر سو هدف تهاجم گروه‌ها و طوایف گوناگون شده بود.

مهرداد دوم به پیروی از مهرداد یکم با تعقل و شجاعت تمام مناطق اشغال شده را بار دیگر از چنگال مهاجمان پس گرفت و مرزهای امپراتوری آریانای بزرگ را در شرق تا کوه‌های هیمالیا (19) و در غرب تا همسایگی امپراتوری روم رساند. وی در این نبرد ها نخست بابل را از تازیان پس گرفت و سپس به ارمنستان لشکر کشید. در سال 113 پ.م سراسر بین‌النهرین را به دست آورد و مرو و فرارود را نیز تصرف کرد. (20) آنگاه رو به شرق نهاد با نبردی سهمگین سکاها را شکست داد، پارت و هرات را آزاد کرد و دولت سکایی سیستان را وابسته به دولت اشکانی آریایی ساخت.

نخستین رابطه دولت روم با آریانا در زمان مهرداد دوم ایجاد شد، و سفیری از جانب شاهنشاه اشکانی برای بستن پیمان نزد "سولا" که از جانب دولت روم به آسیای صغیر آمده بود فرستاده شد.

مهرداد دوم با تحمل و دوراندیشی اوضاع سیاسی و اجتماعی و امنیتی آریانا را نظم و ترتیب داده تحت کنترل خویش درآورد و زیرساخت های اقتصاد قوی را اساس گذاشت. در روزگار او بود که راه تجارت آریانا به چین که در تاریخ به "راه ابریشم" معروف است گشوده شد. که بعد آن تبادل امتعه و مال تجارتي میان چین، هند، عربستان و برخی سرزمین‌های دیگر موجب شکوفایی اقتصاد کشور و منطقه گردید.

## ششم - پادشاهی ارد دوم ، اشک سیزدهم

ارد دوم (اشک سیزدهم) سیزدهمین شاه از خاندان اشکانی است. وی از سال 55 تا 37 پیش از میلاد سلطنت کرد. به عقیده بسیاری از مورخان در زمان او شاهنشاهی اشکانی به اوج عظمت خود رسید. بسیاری از معاصران آن زمان آریانا را بسیار مقتدرتر از روم می‌دانستند. (21) در زمان شاهی ارد دوم سرزمین‌های بسیاری به قلمرو اشکانیان اضافه شد ولی به دلیل ضعف سازمانی ارتش

نتوانستند مناطق فتح شده را حفظ کنند. مهمترین پیش‌آمد در زمان شاهی ارد دوم جنگ‌های متعدد با رومیان و به خصوص نبرد حران (carrhae) (22) است.

ارد دوم همچنین پایتخت آریانا را از شهر صدرروازه به تیسفون (23) که در برابر سلوکیه ساخته شده بود منتقل کرد و تیسفون تا زمان حمله اعراب پایتخت آریانی بزرگ بود.

## هفتم - پادشاهی بلاش یکم ، اشک بیست و دوم



بلاش یکم

بلاش یکم (اشک بیست و دوم) از خاندان اشکانی آریایی است. او در سال 51 میلادی پس از مرگ پدرش و نون دوم بر تخت شاهی نشست و تا سال 78 میلادی سلطنت کرد. (24) در هنگام پادشاهی بلاش یکم آریانا گرفتار مصیبت های گسترده دیگری از جمله شیوع طاعون و وبا و قحطی ناشی از خشکسالی می گردد .

مگر در تاریخ از او به عنوان آخرین شاه بزرگ اشکانی یاد می‌کنند. زیرا پس از وی دولت اشکانی به ضعف گرایش پیدا می کند و در انتها به دست ساسانیان قوم دیگری از نژاد آریایی می افتد.

بلاش یکم ارمنستان را که در دوران شاهی اردوان سوم (اشک هیجدهم) به خاطر نبردهای داخلی بر سر قدرت میان اشکانیان به رومیان واگذار شده بود به زور نبرد و افس گرفت و دوره جنگ‌های آریانا و روم را با پیروزی آریانا پایان رسانید . وقوای امپراتوری روم مجبور به عقب نشینی شد (25) .

بلاش یکم به آیین و روش‌های آریایی بسیار علاقه‌مند بود. در احیای فرهنگ و آیینهای آریائیان تلاش بسیاری کرد و بازمانده گرایش‌های یونانی را در آریانایی بزرگ از میان برداشت .

بنا به روایات زرتشتی در زمان بلاش یکم متون کهن اوستایی از نو گردآوری شد و نام یونانی شده شهرها نیز دوباره نام آریایی خود را بازیافت.

## هشتم - پادشاهی اردوان پنجم ، اشک بیست و نهم

پس از مرگ بلاش پنجم میان دو پسر او به نام‌های بلاش ششم و اردوان پنجم برای رسیدن به شاهی نزاع درگرفت. در ابتدا بلاش به شاهی رسید ولی بعد « اردوان » علیه او قیام کرد و توانست نفوذ خود را بر سراسر آریانا افزایش دهد و زمام امور کشور را بدست گرفت .

اردوان پنجم (اشک بیست و نهم) آخرین شاه آریانا از خاندان اشکانی است که از سال 216 تا 226 میلادی در آریانا پادشاهی کرد. (26)

در سال های آخر شاهی اشکانیان به سبب زدو خورد های داخلی و جنگ های پیاپی با رومیان و وجود کشمکش های داخلی قدرت نظام رهبری این خاندان بسیار سست شده و شیرازه کارها از هم گسیخته بود.

آریائیان از آشفتگی و ناتوانی کشور و نظام ناخرسند بودند و آرزو می کردند که باز مانند دوران هخامنشی کشوری آراسته و نیرومند داشته باشند.

به این سبب اردشیر بابکان بر شاهنشاه اشکانی شورید همه او را از جان و دل به شاهنشاهی پذیرفتند. اردشیر بابکان پس از آنکه استان های فارس و کرمان و جزایر خلیج فارس را به فرمانروائی خود افزود و با اردوان پنجم شاهنشاه اشکانی جنگ کرد. اردوان در این جنگ شکست خورد و خاندان شاهنشاهی اشکانیان پس از 476 سال برافتاد.

اردشیر بابکان از آن پس به شاهی نشست و خاندان شاهنشاهی ساسانی آریایی را بنیاد کرد که بیش از چهار قرن دیگر بر آریانایی بزرگ فرمانروا بودند.

اردوان پنجم ( 261 - 226 میلادی ) بیست نهمین شاه اشکانی در زمان حکومت اش پیوسته با سپاهیان رومی نیز در نزاع و مجادله بود و چند بار در نبرد ها بر امپراتوری روم پیروز گردید . بگونه مثال ما گوشه از این نبردها را بازگو می کنیم :

" ... نیرنگ و خیانت دیگری نیز از جانب رومیان در آخر دوره اشکانی انجام گرفت ، و آن این بود که «کاراکالا» قیصر روم خواست « اردوان پنجم » آخرین شاه این خاندان را بکشد و کشور آریانا را زیر فرمان بیاورد.

برای رسیدن به این هدف نامبارک نامه ای به اردوان پنجم نوشت و دختر او را خواستگاری کرد. اردوان پاسخ داد که باید خود قیصر بیاید و عروس را ببرد. به نوشته هرودیان - تاریخ نگار رومی « قیصر » اعلام کرد که به آریانا می آید تا به شکل رسمی با شاهزاده آریایی عروسی کند.

« کاراکالا » با سپاهیان خود به نزدیکی مرز آریانا آمد و جشنی برای عروسی برپا کرد و چون اردوان پنجم با سرداران و درباریان خود به آن مجلس رفت قیصر ناگهان با سربازان خود بر ایشان تاخت. خود اردوان شاه آریانا توانست از صحنهٔ منازعه نجات یابد. اما بسیاری از سرداران آریایی کشته شدند.

اردوان چون جان بدر برد لشکریان بسیار گرد آورد و به جنگ رومیان شتافت. اما در همین وقت کاراکالای در نزدیکی « منطقه حران » کشته شده بود. اردوان با جانشین او پیکار کرد و رومیان سخت شکست یافتند و خواهش آشتی کردند، و پذیرفتند که از مرزهای آریانای بزرگ دور شوند و مبلغ هنگفتی غرامت بپردازند. ...

هرودیان مورخ رومی جای دیگر می نویسد :

این چهارمین بار بود که رومی ها به تصرف و غارت و ویرانی شهرها و روستاهای « بین نهرین » و کشتار مردم آن، در درازای 100 سال دست زده بودند. " (27)

در زمان اشکانیان آریانای بزرگ به چندین "ولایت"، تقسیم شده بود. هرولایت شاهی داشت که اغلب از خاندان کهن شاهی آن ولایت بود. اشکانیان چون کشور را فتح می کردند گاهی همان پادشاهش را به فرمانروائی می گماشتند تا دست نشانده شاهنشاه باشد و باج یعنی مالیات ولایت را هر سال به خزانه مرکزی بفرستند. گاهی هم کس دیگر را از جانب خود به شاهی آن ولایت معین می کردند.

## برخی از ویژگی های اجتماعی و سیاسی نظام اشکانیان آریایی

در دولت اشکانی، شاهنشاه بالاترین مقام کشور را داشت و می بایست از نژاد آریایی اشک اول باشد. این مقام ارثی بود یعنی از پدر به فرزند می رسید.

نظام سیاسی اشکانی دو مجلس (شورا) داشتند :

اول - مجلس (شورای) خانواده شاهی که همه مردان خاندان اشکانی چون به سن بلوغ می رسیدند در این مجلس شرکت می کردند.

دوم - مجلس (شورای) بزرگان که از مردان کار آموزده کشور و پیشوایان دینی فراهم میشد این دو مجلس را رویهم "مغستان" می گفتند. (28)

چون شاهی در می گذشت در این مجلس جانشین او را از میان فرزندان یا افراد دیگر خاندان برمی گزیدند. آنگاه سپهسالار کشور که از « خانواده سورنا » (29) بود تاج شاهی را بر سر او می گذاشت.

دین :- اشکانی ها به آئین کهن آریایی باستان می زیستند و پرستش خدایان باستان آریایی ، مانند "میترا" یا مهر و اناهیت یا ناهید، نیز میان ایشان معمول بود. در میانه های دوره اشکانی دین زرتشت در همه آریانا رواج یافت و به این سبب بعضی از شاهان آن خاندان به این آئین علاقه بسیار نشان دادند.

بلاش که یکی از شاهان بزرگ اشکانی بود فرمان داد تا کتاب "اوستا" را که پراکنده شده بود فراهم بیاورند. اما اشکانیان هم مانند هخامنشیان مردمان را در دین و آئین خود آزاد می گذاشتند. به این سبب در دوره ایشان در بعضی شهرهای یونانی نشین آریانا ، دین یونانی رواج داشت و سپس که دین عیسوی رونق یافت بعضی از شهرهای مغرب که اکنون در کشور عراق است مرکز پیشوایان دین مسیح شد.

زبان :- به ادامه فارسی باستان دوره ای هخامنشیان ، فارسی میانه یکی از زبان های آریایی است که در دوره اشکانی ها و ساسانی ها در آریانا رایج بود . این زبان از راست به چپ نوشته می شد . که اکنون بنام فارسی نو یاد می شود .

ورزش :- به جوانان پارتی ( اشکانی ) پیش از همه چیز سوار کاری و تیراندازی می آموختند. پارتی ها در این فنون چنان استاد و ورزیده بودند که در جهان آن روز نمونه و مثل شمرده می شدند. در زد و خوردهای پیاپی که میان اشکانیان با سلوکیان و رومیان روی می داد همیشه چابکی و استادی سوارکاران پارتی بود که موجب پیروزی آریائیان می شد.

تفریح و سرگرمی :- شکار نیز یکی از کارهای مهمی بود که جوانان می بایست بیاموزند. جامه مردان پارتی قبائی بلند و گشاد بود با شلواری فراخ ، نوار پهنی بجای کلاه دور سر می بستند تا هنگام تاخت و تاز، موی سرشان پریشان نشود . زلف و گیسو را بلند می گذاشتند و موی ریش را حلقه حلقه می کردند. گاهی نیز ریش را می تراشیدند.

سلاح ایشان کمان های محکم بود با شمشیری که حمایل می کردند. همه مردان خنجر ری راست و پهن به کمر می بستند. سواران جنگی نیزه ای نیز در دست داشتند.

منابع و مأخذ شاهنشاهی اشکانیان :

1 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 500 - 501 و رجوع شود به لغت نامه دهخدا تحت نام داریوش سوم .

2 - نخستین نبرد اسکندر و آریائیان در بهار (334 پ. م .) در کنار رود گرانیک یا گرانیکوس در حوالی آسیای صغیر بوقوع پیوست .

جنگ گرانیکوس بسبب کشته شدن بسیا ری از سرداران بزرگ آریایی به سود اسکندر پایان پذیرفت. اسکندر سپس شهر سارد پایتخت لیدی را نیز گرفت و بر بخش بزرگی از آسیای صغیر دست یافت.

3 - جنگ ترموپیل (thermopylae) به عقیده تمامی کارشناسان و مورخان بی طرف ، نمایی بود از عظیم ترین جنگی که در دوران باستان ، بین دو ابر قدرت آن زمان یعنی هخامنشیان آریایی و یونانیان رخ داد که طبقات این جنگ به قدری وسیع و همه گیر بود که اثرات آن تا به امروز در فرهنگ و زندگی هر دو سرزمین نمایان شده است.

4 - داریوش و اسکندر در نزدیکی شهر ایسوس (333 پ.م.) با یکدیگر رو به رو شدند . ایسوس در کنار خلیج اسکندرون قرار داشت و دشتی که در همسایگی این شهر قرار گرفته بود محل نبرد دو حریف شد .

در این جنگ داریوش سوم شکست خورد و اردوی وی بغارت رفت و مادر ، زن ، پسر و دختر داریوش نیز بدست اسکندر گرفتار شدند.

این پیشامد داریوش را بر آن داشت تا از اسکندر درخواست صلح کند. ولی اسکندر بدین کار تن در نداد . مردم « شهر صیدا » مقدم اسکندر را پذیرا شده و پیروزی را به رسمیت شناختند. ولی شهر صور پایداری ورزید و بسیاری از سپاهیان اسکندر را بر خاک افکند . سرانجام اسکندر پس از هفت ماه نبرد آن شهر را بتصرف در آورد و به قتل عام مردم آن پرداخت.

5 - نبرد گوگمل (331 پ.م.) دومین نبرد مستقیم اسکندر است که در گوگمل احتمالاً واقع در نزدیکی موصل امروزی ، با سپاه داریوش سوم روبه رو گردید. داریوش از گوگمل بسوی همدان رفت. اسکندر نیز بجانب آریانا رهسپار شده و شهرهای بابل و شوش را بسبب خیانت حکمرانان آنها بی هیچ رنجی گرفت خزاین و نفایس بسیاری به چنگ آورد و عازم پارس و تخت جمشید شد.

6 - پس از جنگ‌های « دیادوکی » که به مرگ اسکندر مقدونی منجر شد، کشورهای آریانا ، بین‌النهرین، شمال سوریه و بخش اعظم آسیای صغیر به زیر سلطه سلوکوس یکی از ژنرال‌های سابق اسکندر رفت و وی سیاست اتحاد یونانی‌ها و آریایی‌ها را دنبال نمود.

سلوکوس یکم ، پس از اعلام پادشاهی خود در آسیا، به نیرومندترین پادشاه مقدونی در امپراتوری پیشین اسکندر تبدیل شد.

7 - " بروایت هرودت پارت‌ها ( پارتکنان ) یکی از طوایف ششگانه مادی می باشد. " تاریخ ایران باستان، ج 1 ص 175 و رجوع شود به بند 101 تاریخ هرودت .

8 - رجوع شود به منابع :

تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ا. آ. گرانتوسکی - م. آ. داندامایو، مترجم ، کیخسرو کشاورزی، ناشر: مروارید 1385 .

- تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن 18 ، پیگولوسکایا : ترجمه کریم کشاورز، تهران، 1353 .

- تاریخ اشکانیان - میخایل میخائیلوویچ دیاکونوف، ترجمه کریم کشاورز، تهران ، پیام ، 1378 .

- تاریخ اجتماعی ایران . مرتضی راوندی ، ج 1 . 1354 .

- تاریخ ایران باستان ، دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ. روحی ارباب. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم 1380 .

- شاهنشاهی اشکانی ، ولسکی ، یوزف ، چاپ اول ، ترجمه مرتضی ثاقب فر ، تهران : ققنوس ، 1383 .



9 - تاریخ ایران ، سرپرسی سایکس ، ترجمه : محمد تقی فخرداعی گیلانی ، جلد اول ، نوبت چاپ : پنجم ، تهران ، سال 1370 ، ص 413 - 414 .

10 - فیلسوف و مورخ یونانی بود. او نویسنده کتاب آناباسیس اسکندر (لشکرکشی اسکندر) است که مهمترین کتاب در مورد اسکندر به‌شمار می‌رود. او کتاب دیگری نیز بنام ایندیکا در زمینه بازگشت نیارخوس از هند، پس از تسخیر هند به دست اسکندر، دارد.

11 - رجوع شود به : فرهنگ فارسی دهخدا ( بخش تیرداد ) .

- فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 406 .

- تاریخ ایران باستان ، دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ. روحی ارباب. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم 1380 .

12 - صدروزه یا هکاتومپیلوس (Hecatompylos) یک شهر باستانی در باختر خراسان که از 200 پیش از میلاد پایتخت اشکانیان بود. خود هکاتومپیلوس در زبان یونانی به معنای صد دروازه می‌باشد. این لقب در نزد یونانیان به شهرهایی داده می‌شد که بیش از چهار دروازه را دارا بودند. مکان این شهر باستانی امروزه میان دامغان و سمنان و در سر راه تهران - مشهد قرار دارد و شهر قومس خوانده می‌شود.

13 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 119 .

14- ایران باستان ، میرزا حسن پیرنیا، تهران: دنیای کتاب ، چاپ نهم ، 1378. ج 3 ، ص 2209 و 2213.

15 - تالان در قدیم واحدی برای پول طلا و نقره بوده. یک تالان در تعریف کلی معادل جرم آب در حجم یک آمفورا (کوزه‌ای ته باریک در یونان باستان) بوده که تقریباً برابر با یک پای مکعب است. در یونان باستان یک تالان حدوداً 24 کیلو بوده. تالان طلا ده برابر تالان نقره بوده است.

- رجوع شود به تالان در « ایران باستان » ، میرزا حسن پیرنیا، تهران: دنیای کتاب، چاپ نهم ، 1378. ج 1 ، ص 166 و 210 ، 669 ؛ همان کتاب : ج 2 ص 1498 .

16 - مهردادیکم ( اشک ششم ) دیمتریوس را نکشت و حتا دختر خود رودگونه را نیز به همسری او داد و از این پیوند فرزندان نیز پدیدآمد. با این همه دیمتریوس کوشید تا بگریزد. یکبار با یاری دوستش کالیماندر که با نام مستعار خود را بدو رسانده بود کوشید تا از کرانه‌های دریای مازندران بگریزد، ولی ناکام ماندند. مهرداد نیز به جای مجازات کالیماندر از برای وفاداریش به دیمتریوس بدو پاداش داد. بار دومی که دیمتریوس کوشید بگریزد نیز گرفتار شد و این بار مهرداد با دادن تاس‌های زرین بدو - که به منزله اسباب بازی کودکان بود- او را خوار داشت.

17 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 2058 .

18 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 2058 .

19 - رشته‌کوه هیمالیا ( هندی و نیالی: हिमालय )، مرتفع‌ترین کوه‌های زمین یا بطور عامیانه بام دنیا هستند. هیمالیا که در طول شمال هند به وسعت 2480 کیلومتر (1550 مایل) کشیده شده است ، یک دیوار بزرگ کوهستانی است .

این رشته‌کوه، خط جداکننده شبه‌قاره هند از « فلات تبت » چین است. نام هیمالیا از واژه سانسکریت himālaya (هیمالیا) گرفته شده که به معنی «برفستان» است.

بلندترین قله جهان، اورست با ارتفاع 8848 متر در این رشته کوه قرار دارد.

20 - رجوع شود به :

- « تاریخ ایران باستان - آریاها و مادها » ، خدادادیان، اردشیر، انتشارات دیه ، 1379

- « تاریخ ایران باستان - سلوکیان » ، خدادادیان، اردشیر، انتشارات دیه ، 1379

- تاریخ ایران باستان، خدادادیان، اردشیر، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380

21 - رجوع شود به : صفحه ( /fa.wikipedia.org/wiki )

22 - نبرد حران : نخستین نبرد تمام عیار آریانا و روم در زمان سلطنت ارد دوم به وقوع پیوست. در بهار سال 54 پ.م کراسوس (crassus) فرماندار رومی بخش شرقی روم ، سپاه خود را برای حمله به آریانا آراست و با چهل‌هزار سرباز راهی آریانا شد.

« آرتاوازد » شاه ارمنستان در ملاقاتی با کراسوس ، به او وعده داد که شانزده‌هزار نیروی سواره در اختیار او قرار خواهد داد. او به کراسوس اطمینان داد که با این سواره نظام و پیاده نظام همراه او رومیان از نظر کمی و کیفی برتر از سپاه آریانا هستند و آریانیان را به آسانی شکست خواهند داد.

کراسوس با سپاه بزرگ و ورزیده خود راهی بین‌النهرین شد. در این گیر و دار ارد دوم با پیاده نظام خود با شتاب فراوان وارد ارمنستان شد و مبادرت به آن کرد تا از رسیدن سواره نظام ارمنی به کراسوس جلوگیری کند. سپس « سورنا » سردار دلاور و رشید خود را با ده‌هزار سوار به نبرد با کراسوس فرستاد.

کراسوس چون خبردار شد که سپاه اشکانی در مشرق فرات است تصمیم به تعقیب آریانیان گرفت و در بیابان‌های شمال بین‌النهرین، به دنبال دشمن وهمی و فراری با شتاب به سوی مشرق تاخت آورد و به حران رسید.

پس از زد و خوردی کوچک ناگهان نگهبانان فریاد برآوردند که اشکانیان آنها را در محاصره گرفته‌اند. شاهان محلی آسیایی که به اجبار و بیم در کنار رومیان بودند با شنیدن این خبر با سواران خود گریختند. سواران اشکانی (پارتی) وارد میدان کارزار شدند. نخست سواران سنگین اسلحه اشکانی بر رومیان سبک اسلحه تاختند و آنان را به عقب راندند.

سپس سواران سبک اسلحه کماندار رومیان را به تیرباران گرفتند. تیرهای رومیان بر آنان کارگر نبود زیرا کمان‌های اشکانی برد بیشتری نسبت به کمان‌های رومی داشتند و اشکانیان نیز در تیراندازی سرآمد بودند. رومیان تلفات زیادی دادند و پس از اینکه پسر کراسوس به دست اشکانیان کشته شد عقب نشینی کردند.

رومیان در حال عقب نشینی چون با جغرافیای منطقه آشنا نبودند پیاپی مورد حمله اشکانیان واقع می‌شدند. سرانجام سورنا به رومیان پیشنهاد مذاکره کرد. کراسوس عازم ملاقات شد. در این میان رومیان دچار اختلاف شدند و در این گیر و دار پیکاری در گفت و کراسوس به دست آریائیان کشته شد.

از دید هویت شناسی نبرد حران در تاریخ باستان اهمیت زیادی دارد، زیرا رومیان که خود را برتر از آریائیان و فاتح می‌دانستند با این شکست خوار شده و آریائیان بزرگ و بلندآوازه گشتند.

23 - تیسفون که عرب‌ها آن را مدائن نامیدند نام یکی از پایتخت‌های باستانی آریانا است که در کشور عراق امروزی واقع شده‌است.

تیسفون مجموعه‌ای از چند شهر، اسبانبر، سلوکیه و بغداد بود که در ساحل رود دجله ساخته شده بودند. این شهر در دوران اشکانیان آریایی به عنوان پایتخت غربی آریانا در منطقه میان‌رودان بنا نهاده شد، و در دوران امپراتوری ساسانی اهمیت خود را به عنوان مرکز قدرت سیاسی و اقتصادی حفظ کرد. پس از غصب آریانا بوسیله اعراب، شهر تیسفون به تاراج رفت و رفته‌رفته متروکه گشت.

از گودرز دوم شاه اشکانی تا اردوان پنجم شاه ساسانی آریائیان در تیسفون حدود ششصد سال حکومت کردند. رجوع شود به: - تاریخ ایران باستان، خدادادیان، اردشیر، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380

24 - فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، چاپ یازدهم 1376، جلد 5، ص 274.

25 - - تاریخ ایران باستان، خدادادیان، اردشیر، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380

- همچنان: فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، چاپ یازدهم 1376، جلد 5، ص 274.

26 - فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، چاپ یازدهم 1376، جلد 5، ص 119.

27 - تاریخ هرودیان، کتاب 3، بند 1 و 27.

28 - ایران باستان، ج 3، ص 2234، 2648 و 2649.

29 - "سورن" نام خانواده ای است که در دوره اشکانیان دارای قدرت بسیار بودند. یکی از اعضای این خانواده سورنا بود. او سردار بزرگ پارتی و معاصر اشک سیزدهم بود که کراسوس، سردار رومی را مغلوب کرد. و این سورنا بود که سیزدهمین شاه اشکانی را بر تخت پادشاهی سرزمین های آریانا نشاند.

30 - برای مطالعه و تحقیق بیشتر:

- ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف، اشکانیان. ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، 1378.

- Bivar, A. D. H. "The Political History of Iran Under the Arsacids" in Ehsan (Yarshater (ed.) Cambridge History of Iran, Vol. III, Part I. CUP, 1983

- Boyce, Mary. "The Parthian gosan professional singer and the Iranian (Minstrel Tradition", Journal of the Royal Asiatic Society, 1957

Diakonoff, I. M. & Livshits, V. A. Parthian Economic Documents from ) –  
Nisa. In MacKenzie, D. N. (ed.), *Corpus inscriptionum Iranicarum*, Pt 2.  
*Inscriptions of the Seleucid and Parthian periods and of Eastern Iran and*  
*(Central Asia. v. 2. Parthian, London, 1976*

Raditsa, L. "Iranians in Asia Minor", in Ehsan Yarshater (ed.) *Cambridge* ) –  
( *History of Iran, Vol. III, Part I. CUP, 1983*